

دلایل و پیامدهای غیر امنیتی سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان

ولی کوزه‌گر کالجه^۱

تحولات و تغییرات نسبتاً قابل توجهی که پس از درگذشت ناگهانی اسلام کریم‌اف در سپتامبر ۲۰۱۶ و به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف در سیاست خارجی ازبکستان به ویژه در رابطه با تاجیکستان به وقوع پیوسته است این پرسش را مطرح می‌کند که دلایل و زمینه‌های تنش‌زدایی و غیر امنیتی سازی در مناسبات تاجیکستان و ازبکستان چیست؟ و این امر چه آثار و پیامدهایی را به دنبال داشته است؟ در پاسخ به پرسش‌های یاد شده این فرضیه می‌تواند مطرح شود که «تغییر رهبری در ازبکستان و کوشش شوکت میرضیایف در خروج از کیش شخصیت اسلام کریم‌اف و رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و گسترش خطوط انتقال انرژی و کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی در عرصه منطقه‌ای موجب بروز تحول در سیاست خارجی ازبکستان و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور منطقه آسیای مرکزی شده است». به منظور ارزیابی فرضیه مطرح شده این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و با کاربست مفاهیم و مولفه‌های نظری امنیتی سازی و غیر امنیتی سازی که در چارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ مطرح شده است، وضعیت مناسبات تاجیکستان و ازبکستان را در دو دوره زمانی مشخص یعنی دوره امنیتی سازی (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶) و دوره غیر امنیتی سازی (سپتامبر ۲۰۱۶ تا کنون مورد توجه قرار داده است. در مقطع زمانی اول که دوره تقریباً طولانی رهبری اسلام کریم‌اف در ازبکستان (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی) را در بر می‌گیرد در روند مناسبات ازبکستان با تاجیکستان، بسیاری از موضوعات اجتماعی (قومیت، زبان و فرهنگ) و اقتصادی (منابع آبی و محیط زیستی) از وضعیت طبیعی و عادی خود خارج شده و جنبه سیاسی و امنیتی به خود گرفت. اما در مقطع زمانی دوم با تغییر نخبگان و بازیگران (کنشگران) امنیتی ساز در ازبکستان به ویژه افرادی مانند ویژه اسلام کریم‌اف و رستم عنایت‌اف و قرار گرفتن فردی مانند شوکت میرضیایف در راس قدرت سیاسی، نوع گفتمان و ادبیات حاکم بر ازبکستان در رابطه با تاجیکستان نیز تغییر کرد که پیامد مهم آن تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور آسیای مرکزی در حوزه‌های مختلف بدون مشارکت قدرت‌های بیرونی به ویژه فدراسیون روسیه و چین بوده است.

واژگان کلیدی: آسیای مرکزی، تاجیکستان، ازبکستان، شوکت میرضیایف، مکتب امنیتی کپنهاگ، امنیتی سازی و غیر امنیتی سازی.

^۱ نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای، گرایش مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه تهران.

Email: Vali.kaleji@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۱۷ و تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۲۴

مقدمه

زمانی که جمهوری سوسیالیستی ازبکستان شوروی^۱ در سال ۱۹۲۴ میلادی به عنوان یکی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی تاسیس شد، تاجیکان در قالب جمهوری سوسیالیستی خودمختار تاجیکستان شوروی^۲ تحت حاکمیت ازبکان قرار گرفتند و این واحد خودمختار به صورت بخشی از جمهوری سوسیالیستی ازبکستان شوروی درآمد. این شرایط بیش از پنج سال تداوم یافت تا این که در سال ۱۹۲۹ میلادی، جمهوری سوسیالیستی تاجیکستان شوروی^۳ به عنوان یک جمهوری مستقل وارد تقسیمات اتحاد جماهیر شوروی شد. اما این تحول به معنی خروج کامل تاجیکان از تسلط و حاکمیت ازبکان نبود. قرار گرفتن سمرقند و بخارا به عنوان دو کانون مهم و سنتی فرهنگی، تاریخی و تمدنی تاجیکان در قلمرو جمهوری سوسیالیستی ازبکستان، زمینه نخستین اختلاف و تنش میان ازبکان و تاجیکان در دوران معاصر را فراهم ساخت. براساس آماری که مردم شناسان در اوایل قرن ۲۰ میلادی ارائه کرده‌اند، تناسب جمعیتی ازبک‌ها به تاجیک‌ها در بخارا، سمرقند و وادی فرغانه سه به هفت بوده است. نگرانی اصلی تاجیکان، تضعیف و در نهایت از میان رفتن فرهنگ فارسی و تاجیکی در سمرقند و بخارا از سوی ازبکان بود. به عنوان مثال در دوران زمامداری شرف رشیدف^۴، عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست و دبیر اول وقت حزب کمونیست در ازبکستان، هرگاه کسی در شهرهای سمرقند و بخارا در مراکز و اماکن و اداره‌های دولتی به زبان پارسی صحبت می‌کرد باید مبلغ پنج روبل شوروی را به خزانه دولت به عنوان جریمه پرداخت می‌نمود. در دوره رشیدف سخن به تمام زبان‌ها آزاد بود به جز زبان پارسی برای همین پارسی زبانان سمرقند و بخارا زبان روسی را بر زبان ازبکی ترجیح می‌دادند.

با این وجود، حاکمیت تمامیت‌خواه و امنیتی اتحاد جاهیر شوروی، فضا و امکانی را برای بروز آشکار این اختلاف و تنش به هیچ یک از دو طرف نمی‌داد. طی هفتاد سال حاکمیت کمونیسم، دولت شوروی توجه خاصی را به ازبکان نشان داد و عملاً محوریت کنترل سیاسی

^۱. Uzbek Soviet Socialist Republic

^۲. Tajik Autonomous Soviet Socialist Republic

^۳. Tajik Soviet Socialist Republic

^۴. Sharof Rashidov

و امنیتی و اجرای برنامه‌های حزب کمونیست در منطقه آسیای میانه مورد نظر کرملین،^۱ در اختیار جمهوری سوسیالیستی ازبکستان قرار گرفت و این امر برای سایر اقوام این منطقه به ویژه تاجیکان که خود را از نظر پیشینه تاریخی، فرهنگی و تمدنی بسیار برتر از ازبکان می‌دانستند، بسیار سخت و دشوار می‌آمد. در فضای پراشتهاب اجرای گلاسنوست^۲ و پرسترویکای^۳ مورد نظر میخائیل گورباچف، موج خیزش ملی‌گرایی قومی و رستاخیز هویت‌های پیشین و سنتی، تاجیکان و ازبکان را نیز در بر گرفت. هر دو جمهوری در سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی، اعلام استقلال نمودند و بدین ترتیب، موجودیت‌های جدید و مستقلی تحت عنوان جمهوری تاجیکستان و جمهوری ازبکستان در کنار سه جمهوری دیگر در فضای منطقه آسیای مرکزی شکل گرفت.

استقلال تاجیکستان و ازبکستان نه تنها به اختلافات تاریخی و سنتی ازبکان و تاجیکان پایان نداد، بلکه به واسطه دلایل و عوامل مختلفی تشدید نیز شد. جنگ داخلی در تاجیکستان که عملاً ازبکستان را به یکی از طرف‌های جنگ تبدیل کرد، مسائل و مشکلات آبی ازبکستان به عنوان کشوری پایین‌دست با دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان به عنوان کشورهای بالادست، نگرانی‌های قومی، فرهنگی و تاریخی تاجیکستان در قبال مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان به ویژه سمرقند و بخارا و در مقابل نگرانی ازبکستان از وضعیت ازبک‌تباران تاجیکستان، اختلافات ارضی و مرزی و اختلافات دو کشور در قبال تحولات داخلی افغانستان موجب شد فضای روابط دو کشور وارد فضای پرتنش شود. جنگ لفظی و طرح اتهام‌های مختلف از سوی رهبران و مقامات ارشد دو کشور، مین‌گذاری، انسداد مرزها و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی بین دو کشور که عملاً موجب قطع ارتباطات بازرگانی و تجاری در بازارچه‌های مرزی تاجیکستان و ازبکستان شد، لغو پروازهای مستقیم دوشنبه- تاشکند که موجب شد به مدت ۲۴ سال یعنی از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۶ میلادی، هر فردی که قصد مسافرت هوایی ۴۵ دقیقه‌ای از تاشکند به دوشنبه یا بالعکس را داشت، ناگزیر به استفاده از خطوط هوایی قرقیزستان، قزاقستان و یا روسیه شود و بهره‌گیری متقابل دو کشور از

^۱ در تعریف اتحاد جماهیر شوروی از «آسیای میانه» تنها ازبکستان، ترکمنستان، تاجیکستان و قرقیزستان جای داشتند و قزاقستان خارج از این منطقه قرار می‌گرفت.

^۲ Glasnost

^۳ Perestroika

کریدورهای ارتباطی، خطوط انتقال انرژی و منابع آبی به عنوان ابزار فشار سیاسی از جمله مهم‌ترین نتایج و آثار منفی اختلافات ازبکستان تحت رهبری اسلام کریم‌اف و تاجیکستان تحت رهبری امام علی رحمان در فاصله زمانی و نسبتاً طولانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی بود. با درگذشت ناگهانی اسلام کریم‌اف^۱ در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی (شهریور ۱۳۹۵) و به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف^۲، تحولات و تغییرات نسبتاً قابل توجهی در سیاست خارجی ازبکستان به وقوع پیوست که تنش‌زدایی در روابط تاشکند با تاجیکستان و نیز قزاقستان و قرقیزستان یکی از مهم‌ترین ابعاد و نتایج رویکرد جدید این کشور در عرصه سیاست خارجی به ویژه در سطح منطقه آسیای مرکزی به شمار می‌رود. دیدار تاریخی شوکت میرضیایف از تاجیکستان در ۹ مارس ۲۰۱۸ میلادی و سفر امام علی رحمان^۳ به تاشکند ۱۷ اوت ۲۰۱۸ میلادی که نخستین دیدار رسمی رئیس‌جمهور تاجیکستان از ازبکستان پس از ۱۷ سال به شمار می‌رفت، برقراری مجدد خطوط هوایی و پرواز مستقیم برقراری نخستین پرواز مستقیم از دوشنبه به تاشکند در ۲۰ فوریه ۲۰۱۷ و از تاشکند به دوشنبه در ۱۱ آوریل ۲۰۱۷ میلادی، موضع ملایم ازبکستان در زمینه مسائل آبی از جمله شرکت حضور وزیر انرژی ازبکستان در مراسم افتتاح نخستین توربین نیروگاه سد راغون^۴ در ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی (۲۵ آبان ۱۳۹۷)، بازگشایی مرزهای زمینی و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی دو کشور و انعقاد ده‌ها موافقتنامه بین دو کشور در حوزه‌های مختلف گویای وقوع تحولات جدیدی در مناسبات ازبکستان و تاجیکستان پس از به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی است.

تحولات یاد شده این پرسش را مطرح می‌کند که دلایل و زمینه‌های تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی در مناسبات تاجیکستان و ازبکستان چیست؟ و این امر چه آثار و پیامدهایی را به دنبال داشته است؟ در پاسخ به پرسش‌های یاد شده این فرضیه می‌تواند مطرح شود که «تغییر رهبری در ازبکستان و کوشش شوکت میرضیایف در خروج از کیش شخصیت اسلام کریم‌اف و رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و گسترش خطوط انتقال انرژی و کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی در عرصه منطقه‌ای موجب بروز تحول در سیاست خارجی

^۱. Islam Karimov

^۲. Shavkat Mirziyoyev

^۳. Emomali Rahmon

^۴. Rogun Hydropower Plant

ازبکستان و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور منطقه آسیای مرکزی شده است.^۱ به منظور ارزیابی فرضیه مطرح شده این مقاله به شیوه توصیفی-تحلیلی و با کاربرست مفاهیم و مولفه‌های نظری امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی که در چارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ^۱ مطرح شده است، کوشش می‌کند شناخت و درک بهتری از تحولات جدید صورت گرفته در مناسبات دو کشور ازبکستان و تاجیکستان حاصل شود.

چارچوب نظری

امنیتی‌سازی^۲ از محورهای مهم در مکتب امنیتی کپنهاگ است.^۳ این انگاره به طور کلی با تاکید بر نقش «زبان» به بررسی چگونگی ظهور، تکامل و حل و فصل مسائل و موضوعات امنیتی می‌پردازد؛ به گونه‌ای که با نزدیک شدن به آموزه‌های نظریه سازهانگاری، امنیت را به عنوان پدیده‌ای متکی بر ذهن افراد و فعالیت زبانی آنان تلقی می‌کند (دهقانی فیروزآبادی و قرشی، ۱۳۹۱: ۷). در این راستا، اولی و یور^۴ در مقاله «امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی»^۵ با الهام از نظریه زبان شناختی^۶، امنیت را یک حرکت کلامی (کنش گفتاری)^۷ می‌خواند؛ یعنی حرکت زبان و نوع بیان مطالب توسط گوینده، امنیت را تعریف می‌کند (Wæver, 1995: 46).

از این منظر، تبدیل شدن یک موضوع در جایگاه موضوعی امنیتی، فرایندی بیناذهنی است که مبتنی بر نوعی کنش گفتاری است. بر این اساس، زمانی یک پدیده تبدیل به

^۱. Copenhagen School of security

^۲. Securitization

^۳. آنچه که به عنوان «مکتب کپنهاگ» در مطالعات امنیتی مشهور شده است، از سوی این صاحب‌نظران این مکتب مطرح نشده است، بلکه اصطلاحی است که بیل مک سوئینی برای معرفی آثار و نقطه‌نظرات باری بوزان، اول و یور، دو ویلد و دیگران در سال ۱۹۹۶ به کار برده است و از آن پس کلیه آثار مشابه با این شیوه تفکر در خصوص مطالعات امنیتی، تحت عنوان «مکتب کپنهاگ» مورد توجه صاحب‌نظران قرار گرفته است. به طور کلی، می‌توان پنج مفروضه را به عنوان مفروضات اصلی مکتب کپنهاگ مورد شناسایی قرار داد: امنیت موسع به جای امنیت مضیق (ابعاد پنج‌گانه امنیت)، توسعه سطوح تحلیل امنیت، امنیتی‌ساختن و غیر امنیتی‌کردن، تعامل نگرش عینی و ذهنی و در نهایت روش‌شناسی کمی و کیفی. هر چند این مفروضه‌ها طی بیش از دو دهه بارها و بارها دچار تغییر و تحول گردید ولی در مجموع توانست یک تحول روش‌شناسی و معرفت‌شناختی در مطالعات امنیتی ایجاد کند.

^۴. Ole Wæver

^۵. Securitization and Desecuritization

^۶. cognitive linguistic

^۷. Speech Act

پدیده‌ای امنیتی می‌شود که طی فرایندی بازیگر امنیتی‌ساز، پدیده را امنیتی کند و مخاطب وی نیز آن را بپذیرد. اعتقاد به «تجلی تهدید»^۱ و «پذیرش عمومی»^۲ دو رکن اصلی «منطق امنیتی‌کردن»^۳ را شکل می‌دهند (قرشی، ۱۳۹۳: ۳۳). از نظر مکتب کپنهاگ، موفقیت در امنیتی‌سازی یک پدیده به دو عامل بستگی دارد:

۱- شرایط درونی و زبانی- دستوری: یعنی بایستی قواعد پذیرفته شده‌ای وجود داشته باشد که کنش منطبق با آنها به اجرا درآید. این عامل به بازیگر امنیتی‌ساز و میزان توانایی وی در استفاده از مفاهیم و کلمات، براساس دستورهای زبان شناختی امنیت مربوط می‌شود که بتواند کنشی مبتنی بر آن را ایجاد کند و پدیده‌ای را وارد دسته‌بندی مقولات امنیتی کند.

۲- شرایط بیرونی و زمینه‌ای- اجتماعی: یعنی بهره‌مند بودن از شرایط زمانی و مکانی مناسب و همسانی آن با کنش ایجاد شود تا بتوان به واسطه آن کنش یادشده را اجرایی کرد. شرایط بیرونی نیز دو شرط عمده دارد: الف) سرمایه اجتماعی بازیگر امنیتی‌ساز به این معنی که در موقعیت اقتدار باشد تا بتواند میزان پذیرش را تقویت کند. ب) تهدیدها به این معنا که برای پذیرش بیشتر، بتوان به اموری که تهدیدکننده تلقی می‌شوند، مثل تانک، بمب و موشک استناد کرد (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۴۳). بر این اساس، کنش گفتاری موفقیت‌آمیز تلفیقی است از زبان و جامعه که شامل چند عنصر می‌شوند:

الف: موضوعات امنیت: چیزهایی که موجودیت‌شان در معرض تهدید انگاشته می‌شود و برای بقا ادعای مشروعی دارند.

ب: بازیگران (کنشگران) امنیتی‌ساز: بازیگرانی که با اعلام در معرض تهدید بودن یک پدیده‌ای، آن را به موضوعی امنیتی تبدیل می‌کنند. معمولاً بازیگرانی که این نقش را به اجرا می‌گذارند، رهبران سیاسی، دیوان سالاری‌ها، حکومت‌ها، دلالان سیاسی و گروه‌های فشار هستند (بوزان و دیگران، ۱۳۸۶: ۷۴).

ج: بازیگران (کنشگران) کارآمد: بازیگرانی که بر فرایند امنیتی‌سازی تاثیر می‌گذارند. این بازیگران نه از موضوعات امنیت هستند و نه جزو بازیگران امنیتی‌ساز که بخواهند

¹. Threat Perception

². Public Acceptance

³. Logic of Securitization

⁴. Securitizing Actors

⁵. Functional Actors

موضوعی را امنیتی کنند، بلکه دارای تاثیر چشمگیری بر تصمیمات گرفته شده در حوزه امنیت می‌باشند.

د: مخاطب: ^۱ بازیگرانی که حلقه تکمیلی امنیتی‌سازی محسوب می‌شوند و زمانی که فرایند امنیتی‌سازی یک پدیده به عنوان موضوعی امنیتی توسط عموم آنها پذیرفته شد، آن‌گاه می‌توان گفت فرایند امنیتی‌سازی آن پدیده نهایی شده و می‌توان پدیده مذکور را امنیتی شده تلقی کرد (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۴۳).

از نظر مکتب کپنهاگ، هر کسی می‌تواند پدیده‌ای را امنیتی کند و پدیده‌ها صرفاً نظامی نبوده و سایر پدیده‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی هم می‌توانند قابلیت امنیتی داشته باشند. با این وجود، مکتب کپنهاگ دایره مقولاتی را که وارد حوزه اضطراری ناشی از امنیتی‌سازی می‌شوند به شکل ظریفی محدود می‌کند تا در دام پیچیدگی ناشی از گسترده شدن طیف تهدیدها نیفتد. به همین منظور، مقولات غیر امنیتی را از مقولات امنیتی متمایز می‌کند. به این صورت که اگر مسئله تهدیدآمیزی را بتوان توسط قانون و ابزارهای مشروع حاکمیتی و بین‌المللی حل کرد، آن مسئله دیگر تهدید یا مسئله امنیتی محسوب نمی‌شود. از این منظر است که موضوعات در طیف سه‌گانه‌ای از موضوعات غیرسیاسی، سیاسی و امنیتی تعریف می‌شوند. موضوعات غیر سیاسی، یعنی موضوعاتی که دولت با آنها سرو کار ندارد و از هیچ طریق ضرورت بحث و تصمیم عمومی را به وجود نمی‌آورد. موضوعات سیاسی شده یعنی موضوعاتی که بخشی از سیاست عمومی بوده به تصمیم دولت و اختصاص منابع یا به اداره کردن جمعی نیازمند هستند. موضوعات امنیتی شده نیز یعنی موضوعاتی که تهدید وجودی معرفی می‌شوند و نیازمند اقدامات ضروری و اعمالی توجیه کننده خارج از فرایند سیاسی هستند (عبدالله خانی و کاردان، ۱۳۹۰: ۳۰۶). در این طیف هر چه از موضوع غیرسیاسی به موضوع امنیتی نزدیک‌تر شویم، عمق تهدید و ضرورت اقدام فوری برای آن بیشتر است. به بیانی ساده‌تر برای امنیتی شدن یک پدیده، "قابلیت" شرط لازم بوده و شرط کافی آن، محدودیت‌ها و شرایطی است که برای موفقیت در امنیتی‌سازی آن پدیده در نظر گرفته می‌شود و پدیده را از جریان امور عادی سیاسی جدا کرده و به عنوان "تهدید وجودی" پذیرفته می‌شود (دهقانی فیروزآبادی و علوی، ۱۳۹۵: ۴۴).

^۱. Referent Objects

در مجموع، مفهوم امنیتی ساختن توسط ویور برای تشریح یک نظریه امنیتی مطرح شده است به معنای خروج پدیده‌ها و یا موضوعات از وضعیت عادی به وضعیت فوق‌العاده می‌باشد. به عبارت دیگر، امنیتی‌ساختن به معنای خارج کردن پدیده‌ها از حوزه سیاست‌های عادی و یا سیاست‌های عمومی و وارد کردن آنها به حوزه امنیتی است. در نقطه مقابل، مفهوم غیرامنیتی کردن قرار دارد که به معنی خروج پدیده‌ها از حوزه امنیتی به حوزه سیاسی و عادی است. به صورت دقیق‌تر، فرایند غیرامنیتی‌سازی به وضعیتی اشاره دارد که در آن شواهدی از تغییر صریح و روشن در گفتمان امنیتی از طریق فرایندی تدریجی وجود دارد (رستمی و نادری، ۱۳۹۵: ۱۹۴). در واقع، اگر امنیتی‌سازی، حرکت یک موضوع به خارج از قلمرو سیاست‌های معمول است، حالت معکوس آن نیز امکان‌پذیر است. کسانی که مسئول امنیتی‌سازی هستند، می‌توانند روند را به عقب بازگردانده و به قلمرو سیاست‌های معمول بکشانند (Rose, 2004:282). باری بوزان^۱ به عنوان چهره شاخص مکتب امنیتی کپنهاگ در رابطه با معنای دو مفهوم امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی^۲ معتقد است:

«ما قائل به وجود ابعاد متعددی برای امنیت هستیم. این حقیقت اگر چه نکته درستی است؛ اما به صورت بالقوه تهدیدی را در بطن خود می‌پروراند و آن این‌که ما همه چیز را امنیتی می‌بینیم. امنیتی‌سازی دلالت بر این دارد که چه بسا ما از هر تهدید ساده‌ای، یک تحلیل امنیتی بیرون آورده و بدین ترتیب، تهدیدها- ولو ساده و پیش پا افتاده را- تا سطح ملی و تهدید امنیتی بالا ببریم. برای پرهیز از این آفت که خود به تضعیف امنیت ملی منجر شده و یک تهدید به حساب می‌آید، لازم است معیار مشخصی برای تمییز تهدید امنیت ملی از غیر آن داشته باشیم. پس از وضع چنین معیارهایی است که می‌توان تهدیدات امنیتی را از غیر آن جدا ساخت و بدین ترتیب به غیرامنیتی‌کردن مسائل و موضوعات غیر اساسی مبادرت ورزید» (بوزان، ۱۳۷۹: ۱۲).

با توجه به ملاحظاتی که در رابطه با دو مفهوم امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی در چارچوب مکتب امنیتی کپنهاگ مطرح شد در بخش‌های بعدی کوشش می‌شود مولفه‌های این دو مفهوم نظری در تبیین روند امنیتی‌سازی در سیاست خارجی ازبکستان در دوران

1. Barry Buzan

2. Desecuritization

اسلام کریم‌اف (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶) و دوره رهبری شوکت میرضیایف (سپتامبر ۲۰۱۶ تاکنون)^۱ مورد استفاده قرار گیرد تا درک بهتر و نظام‌مندتری از سیر تحولات سیاست خارجی جمهوری ازبکستان در سال‌های اخیر حاصل شود.

سیاست خارجی ازبکستان در دوران اسلام کریم‌اف (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶)

با استقلال ازبکستان در ۳۱ اوت سال ۱۹۹۱ میلادی، سیاست خارجی این کشور تازه استقلال‌یافته تحت تاثیر عوامل متعدد داخلی و خارجی قرار گرفت. شخصیت اقتدارگرای اسلام کریم‌اف که ریشه در سابقه طولانی سیاسی و اجرایی وی در دوران کمونیسم از جمله دبیران حزب کمونیست ازبکستان^۲، مشکلات اقتصادی ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و دوران گذار در جامعه پرجمعیت ازبکستان که تقریباً نیمی از جمعیت منطقه آسیای مرکزی را در خود جای داده بود، اسلام سیاسی و تهدید ساختار سکولار و غیردموکراتیک ازبکستان، تهدید افراط‌گرایی دینی و تروریسم به ویژه از ناحیه حزب‌التحریر ازبکستان، جنگ داخلی در تاجیکستان که عملاً ازبکستان را به یکی از طرف‌های جنگ تبدیل کرد و مسائل تاریخی، قومی و زبانی سمرقند و بخارا را بین دو کشور زنده ساخت، مسائل و مشکلات آبی ازبکستان به عنوان کشوری پایین‌دست با دو کشور تاجیکستان و قرقیزستان به عنوان کشورهای بالادست، رقابت‌ها و چالش‌های شخصی اسلام کریم‌اف با نورسلطان نظربایف^۳، رئیس جمهور قزاقستان برای رهبری منطقه آسیای مرکزی، تحولات داخلی افغانستان و حمایت آشکار دولت ازبکستان از ژنرال عبدالرشید دوستم^۴ از یک در مقابل حمایت دولت تاجیکستان از احمد شاه مسعود تاجیک^۵، کوشش دولت ازبکستان برای جلوگیری از نفوذ روسیه به موازات توسعه مناسبات با چین و در

^۱ . منظور تا زمان نگارش این مقاله در بهمن ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹ میلادی) است.

^۲ . اسلام کریم‌اف در ۳۰ ژانویه ۱۹۳۰ میلادی در سمرقند متولد شد و بیش از شش دهه (تا سن ۶۱ سالگی در سال ۱۹۹۱) از زندگی فردی و اجتماعی خود را در محیط فکری و سیاسی اقتدارگرای اتحاد جماهیر شوروی گذراند. عضویت و سپس دبیر اولی حزب کمونیست در ازبکستان در سال ۱۹۸۹ بر نهادینه‌شدن تفکر اقتدارگرایانه در اسلام کریم‌اف نقش به‌سزایی ایفا نمود. با چنین پیش‌زمینه فکری و تجربه سیاسی، کریم‌اف به مانند دیگر دبیران اول جمهوری‌های سابق شوروی نظیر نظربایف، نیازاف، شورادنازده و... رهبری سیاسی کشور تازه به استقلال رسیده را در قامت رئیس جمهور بر عهده گرفت و بر پایه همان تفکرات به اداره و مدیریت ازبکستان در حوزه داخلی و خارجی پرداخت.

^۳ Nursultan Nazarbayev

^۴ Abdul Rashid Dostum

^۵ Ahmad Shah Massoud

نهایت چالش‌های مداوم ازبکستان با جهان غرب در موضوعات حقوق بشر و دموکراسی از جمله عوامل مهم و تاثیرگذار بر سیاست خارجی ازبکستان در دوران طولانی ریاست جمهوری اسلام کریموف (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶) بود.

در مقطع ابتدایی دهه ۹۰ میلادی، ازبکستان با تشکیل «اتحادیه آسیای مرکزی»^۱ در سال ۱۹۹۴ در بعد اقتصادی و عضویت در برنامه مشارکت برای صلح ناتو در همین سال در بعد نظامی کوشید با نفوذ روسیه در منطقه آسیای مرکزی مقابله کند. اما همچنان رویکرد کلی سیاست خارجی ازبکستان (شاید بالاجبار) بر مدار سیاست‌های روسیه می‌چرخید. اما از نیمه دوم دهه ۹۰ میلادی به تدریج عنصر «متغیری» تبدیل به واژگان ثابت در تعریف و تحلیل سیاست خارجی ازبکستان گردید و تاشکند مواضع متناقض و متغیری را در قبال دو رقیب اصلی منطقه آسیای مرکزی یعنی فدراسیون روسیه و ایالات متحده آمریکا در پیش گرفت (عطایی و کوزه‌گر کالجی، ۱۳۹۱: ۱۱۰).

عدم عضویت در پیمان امنیتی شانگهای (گروه شانگهای- پنج) در سال ۱۹۹۵^۲، خروج ازبکستان از پیمان امنیت دسته جمعی^۳ و عضویت در پیمان امنیتی گوام^۴ در سال ۱۹۹۹^۵، عضویت در سازمان همکاری شانگهای در سال ۲۰۰۱، واگذاری پایگاه نظامی خان‌آباد به نیروهای آمریکایی پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله نظامی آمریکا به افغانستان، تعطیلی فعالیت پایگاه نظامی خان‌آباد در سال ۲۰۰۵ متعاقب حوادث اندیجان و انتقادات حقوق بشری آمریکا و اروپا، خروج ازبکستان از پیمان امنیتی گووام در ۵ می ۲۰۰۵، عضویت ازبکستان در «جامعه اقتصادی اوراسیا»^۶ به موازات بازگشت ازبکستان به پیمان امنیت دسته

^۱ The Central Asian Union (CAU)

^۲ . در حالی که قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان با همراهی چین و روسیه، پیمان امنیتی شانگهای (گروه شانگهای- پنج) را در سال ۱۹۹۶ بنیانگذاری کردند، خبری از حضور ازبکستان در این سازمان امنیتی نبود.

^۳ Collective Security Treaty Organization (CSTO)

^۴ GUUAM

^۵ . در سال ۱۹۹۷ ازبکستان با حرکت واگرایانه آذربایجان و گرجستان در قبال سازمان امنیت دسته جمعی همراه شد و در ۲ آوریل ۱۹۹۹ از تمدید پروتکل پنج ساله فعالیت پیمان امنیت دسته جمعی خودداری نمود و با خروج از این سازمان و عضویت در پیمان امنیتی گووام در سال ۱۹۹۹ جدی‌ترین و در عین حال آشکارترین رویکرد واگرایانه ازبکستان را در قبال فدراسیون روسیه به نمایش گذاشت.

^۶ Eurasian Economic Cooperation

جمعی (پس از هفت سال) در ژانویه ۲۰۰۶ میلادی^۱، خارج شدن ازبکستان از جامعه اقتصادی اروسیا در نوامبر ۲۰۰۸^۲، مخالفت ازبکستان با تشکیل نیروهای واکنش سریع در سازمان امنیت دسته جمعی در فوریه سال ۲۰۰۹ میلادی، خارج شدن از پیمان امنیت دسته جمعی (برای دومین بار) در ۲۸ ژوئن ۲۰۱۲ میلادی و کوشش مجدد در جهت بهبود مناسبات با آمریکا و حتی اعطای مجدد پایگاه نظامی^۳ از جمله موارد مهمی است که به روشنی گویای یک سیاست متغیر و بی‌ثبات در جهت‌گیری کلان سیاست خارجی و دفاعی ازبکستان در دوره رهبری اسلام کریم‌اف است.

رویکرد سینوسی ازبکستان در دوره اسلام کریم‌اف به این دلیل جالب توجه بود که دیگر کشورهای منطقه آسیای مرکزی و نیز قفقاز جنوبی رویکردی نسبتاً با ثبات را در عرصه سیاست خارجی به نمایش گذاشته‌اند. تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان و ارمنستان با حفظ عضویت در جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و پیمان امنیت دسته جمعی از ابتدای دهه ۹۰ میلادی تاکنون همچنان وفادار به فدراسیون روسیه باقی مانده‌اند و در مقابل گرجستان با خروج از هر دو سازمان^۴ و جمهوری آذربایجان با خروج از سازمان امنیت دسته جمعی^۵ تا کنون آشکارا رویکرد غرب‌گرایانه و ضدروسی را در پیش گرفته‌اند. از این‌رو، هیچ کشوری در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی تاکنون به مانند ازبکستان در حوزه سیاست خارجی به این میزان «متغیر» عمل

^۱ . در شرایطی که آمریکا و اتحادیه اروپا تحریم‌های سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای را علیه دولت ازبکستان به واسطه حوادث خشونت بار اندیجان به اجرا گذاشتند، روسیه از رژیم اسلام کریم‌اف حمایت قاطعی نمود و همین امر تاشکند را یک بار دیگر به مدار سیاست خارجی و دفاعی روسیه در منطقه آسیای مرکزی کشاند. ازبکستان ۵ می ۲۰۰۵ از پیمان امنیتی گوام خارج شد؛ در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۶ میلادی در شهر سنت‌پترزبورگ روسیه، رسماً به عضویت «جامعه اقتصادی اوراسیا» درآمد.

^۲ . با بروز مشکلات بین آمریکا و قرقیزستان بر سر تمدید اجاره پایگاه نظامی مناس و انعقاد «توافقیانه مشارکت استراتژیک میان آمریکا و افغانستان» و خروج نظامیان آمریکایی از افغانستان تا سال ۲۰۱۴ موجب تشدید رویکرد واگرایانه تاشکند شد و رئیس‌جمهور ازبکستان، را بر آن داشت تا مجدداً به سمت آمریکایی‌ها روی بیاورد و در همین راستا برای دومین بار از پیمان امنیت دسته جمعی خارج شود.

^۳ . گرجستان در سال ۱۹۹۹ از عضویت در سازمان امنیت دسته جمعی و پس از حمله نظامی روسیه در ۱۸ اوت ۲۰۰۸ از جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع خارج شد.

^۴ . جمهوری آذربایجان نیز همراه با گرجستان در سال ۱۹۹۹ از ترکیب سازمان امنیت دسته جمعی خارج شد.

نکرده است. چنانچه رومان موزالوسکی^۱، پژوهشگر بنیاد تحقیقاتی جیمز تاون^۲ نیز بر این باور است که «اگر چه در رژیم ازبکستان ثبات به چشم می‌خورد، اما نمی‌توان ثباتی برای سیاست خارجی این کشور متصور بود» (Muzalevsky, 2012). برآیند این شرایط، شکل‌گیری یک سیاست خارجی امنیت‌محور، سینوسی و متغیر به ویژه در ورود و خروج از ائتلاف‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای، غیرمنعطف و رویکرد متصلب و پرتنش با همسایگان به ویژه تاجیکستان در این مقطع طولانی بیست و پنج ساله بود که در بخش بعدی به یکی از مهم‌ترین موارد آن یعنی امنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶) اشاره می‌شود.

امنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶)

طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ که دوران طولانی ریاست جمهوری اسلام کریم‌اف در ازبکستان را در برمی‌گیرد به واسطه برخی از مشکلات و ذهنیت‌های تاریخی، شرایط سیاسی، امنیتی و اقتصادی آسیای مرکزی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و رقابت‌های منطقه‌ای، نوعی کنش گفتاری مبتنی بر سوءظن، بی‌اعتمادی، تهدید و اتهام‌زنی بر ادبیات رهبران و مقامات ازبکستان و تاجیکستان حاکم شد که نقش تاثیرگذاری در تبدیل‌شدن موضوعات مختلف اجتماعی و اقتصادی نظیر زبان و قومیت تاجیکی و ازبک و انتقال آب به یک موضوع سیاسی و امنیتی ایفا نمود. تکرار و اصرار طرفین بر این ادبیات تنش‌آلود و جنگ سردی و انتقال آن از طریق رسانه‌های عمومی و دولتی تحت کنترل دولت‌های اقتدارگرای دو کشور موجب شد در باور عمومی و نخبگان دو جامعه تاجیکستان و ازبکستان اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» به عنوان دو رکن اصلی «منطق امنیتی‌کردن» شکل بگیرد و دو کشورها بارها تا آستانه تنش‌های مرزی و برخوردهای نظامی نیز پیش بروند. در چنین مقطعی، رهبران دو کشور به ویژه اسلام کریم‌اف و رستم عنایت‌اف (رئیس سرویس امنیت ملی ازبکستان) و امام‌علی رحمان و دیگر مقامات نظامی و امنیتی ازبکستان و تاجیکستان عملاً به عنوان بازیگران (کنشگران) امنیتی‌ساز ایفای نقش می‌کردند. به صورت اجمالی، مهم‌ترین مصادیق امنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ را می‌توان موضوعات زیر دانست:

^۱. Roman Muzalevsky

^۲. Jamestown Foundation

۱. وضعیت مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان و سیاست ازبکی‌سازی^۱ در نتیجه تقسیمات سیاسی و اداری دوران شوروی، مناطق تاجیک‌نشین مانند سمرقند، بخارا، سرخان‌دریا^۲، قشقه‌دریا (کشک‌دریا)^۳، نمنگان^۴، فرغانه و سیردریا در چارچوب مرزهای جمهوری ازبکستان قرار گرفتند. تاجیک‌ها مدعی هستند که در ازبکستان به ویژه در مناطق سمرقند، بخارا، ترمذ^۵ و خوارزم میلیون‌ها تاجیک زندگی می‌کنند که به اجبار در دوره تشکیل اتحاد جماهیر شوروی به تلافی مبارزات مسلمان تاجیک در برابر بلشویک‌ها از قلمرو تاجیکستان به ازبکستان کوچ داده شده‌اند (Chahryar, 2005:292-296).

بنابراین، تقسیم‌بندی براساس هویت‌های قومی - زبانی، یکی از عوامل مهمی بود که از همان ابتدا شکاف تاجیک - ازبک را در این کشور به وجود آورد. از همان آغاز، نشانه‌های فراوان از کشمکش تباری و ولایتی بین بخش‌های شرق و غرب و مرکز ازبکستان مشهود بود؛ هر قومی و هر ولایتی سهم بیشتری از قدرت می‌طلبید. پس از دستیابی به استقلال، اسلام کریموف، رئیس‌جمهور پیشین ازبکستان، با استفاده از این کشمکش‌های قومی و ایجاد تنش میان ولایات به تضعیف جایگاه آنها دست زد. علاوه بر این، جریان‌های «ملی‌گرایی» و «اسلام‌گرایی» نیز دو موج عمده تأثیرگذار در ازبکستان هستند و بر این اساس ازبکستان، بر این باور است که امنیت این کشور از سوی مناطق تاجیک ازبکستان در خطر است و تاجیکان مناطق هم‌مرز با تاجیکستان، قابل اطمینان نیستند. بنابراین، مقامات ازبک به بهانه حفاظت از منافع ملی با هویت تاجیکی مقابله می‌کنند (حیدری، ۱۵ مهر ۱۳۹۶). همین سابقه و ذهنیت تاریخی موجب شد پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، وضعیت مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان و سیاست ازبکی‌سازی (تحمیل فرهنگ، زبان و ادبیات ازبکی بر اقلیت تاجیکی) تبدیل به یک موضوع سیاسی و امنیتی در مناسبات دوشنبه و تاشکند شود.

انکار یا پایین جلوه دادن میزان جمعیت تاجیکان ازبکستان و اختلاف فاحش بین آمارهای رسمی و غیر رسمی جمعیتی از جمله مشکلات دو کشور در این حوزه به شمار

¹. Uzbekisation

². Sarkhan Darya

³. Qashqadaryo

⁴. Namangan

⁵. Termez

می‌رفت.^۱ در حالی که براساس آماری که مردم‌شناسان در اوایل قرن ۲۰ میلادی ارائه کرده‌اند، تناسب جمعیتی ازبک‌ها به تاجیک‌ها در بخارا، سمرقند و وادی فرغانه سه به هفت بوده است، کمیته آمار ازبکستان در اول ژانویه ۲۰۱۷ اعلام نمود که ۴/۸ درصد جمعیت این کشور را تاجیک‌ها (فارسی‌زبانان) تشکیل می‌دهد. جالب این‌که این نرخ برای تاجیک‌ها در ۲۶ سال قبل از آن (سال ۱۹۹۱) هم ۴/۸ درصد بود.^۲ (ایرنا، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶) در حالی که تاجیک‌ها در ازبکستان معتقد هستند که این آمار بیشتر به ۲۵ تا ۳۰ درصد نزدیک است و بر اینکه تاجیک‌ها ۷۰ درصد جمعیت سمرقند، پایتخت پیشین و دومین شهر بزرگ ازبکستان و بیش از ۹۰ درصد مردم بخارا را تشکیل می‌دهند، تأکید می‌کنند. البته، آمار موثقی در این رابطه موجود نیست. (حیدری، ۱۵ مهر ۱۳۹۶)

در رابطه با مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان همواره این نگرانی از سوی دولت تاجیکستان وجود داشته است که ارائه آمارهای غیر واقعی از جمعیت تاجیکان و تحمیل فرهنگ و زبان ازبکی، موجب تضعیف جایگاه سنتی تاجیکان به ویژه در دو شهر مهم سمرقند و بخارا شود. فرایند ازبکی‌سازی در دوران رهبری ۲۵ ساله اسلام کریم‌اف با جدیت خاصی در مناطق تاجیک‌نشین دنبال شد.

به عنوان مثال در حالی که زبان مؤسسات آموزشی از جمله دانشگاه سمرقند که قدیمی‌ترین دانشگاه آسیای مرکزی است و به فرمان لنین نخستین رهبر حکومت شوروی پایه‌گذاری شد به زبان فارسی بود، پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به قدرت رسیدن اسلام کریم‌اف به زبان ازبکی تغییر یافت. طبق آمار رسمی در زمان شوروی، ۳۸۰ مدرسه تاجیک‌زبان در ازبکستان وجود داشت، اما در دوران اسلام کریم‌اف تعداد آنها به طور قابل توجهی

^۱ انکار یا پایین جلوه دادن اقلیت‌های قومی مختص ازبکستان نیست و در سایر جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز نیز شاهد چنین رویکردی هستیم. به عنوان مثال، آمار و ارقام دولت آذربایجان در قبال تالشی‌ها و لزگی‌ها همواره دور از واقعیت بوده است.

^۲ بر اساس آمار نرخ اقوام ازبکستان در سال ۱۹۹۱ میلادی، جمعیت این کشور را ۷۲/۸ درصد ازبک‌ها ۲/۱ درصد قراقالپاق‌ها، ۷/۷ درصد روس‌ها ۴/۸ تاجیکان، ۱۴/۴ درصد قزاق‌ها، دو دهم درصد تاتارها و هفت دهم درصد را هم اوکراین‌ها تشکیل می‌دادند. در یکم ژانویه ۲۰۱۷ ترکیب جمعیتی ازبکستان این گونه اعلام شد: ازبک‌ها ۸۳/۸ درصد، قراقالپاق‌ها ۲/۲ درصد، روس‌ها ۳/۲ درصد، تاجیکان ۴/۸ درصد، قزاق‌ها ۲/۵ درصد، تاتارها ۶ دهم درصد و اوکراینی‌ها نیز دو دهم درصد.

کاهش یافت. نمونه‌هایی از این دست در حوزه فرهنگی و اجتماعی بسیار فراوان است. واکنش گسترده افکار عمومی و نخبگان ازبکستان و تاجیکستان در قبال اقدام تارنمای گوگل در گنجانیدن نام شهرهای سمرقند و بخارا در نقشه جغرافیایی تاجیکستان در دی ماه ۱۳۹۲ به روشنی گویای حساسیت شدید این موضوع در روابط دو کشور است (تابناک، ۱۵ دی ۱۳۹۲).

۲. وضعیت ازبک‌تباران تاجیکستان در نقطه مقابل مناطق تاجیک‌نشین سمرقند و بخارا در ازبکستان، مناطق ازبک‌نشین در بخش‌های سُغد^۱ و خُجند^۲ تاجیکستان نیز وجود دارد که محصول تقسیمات اداری و سیاسی دوران حاکمیت اتحاد جماهیر شوروی است. هرچند از نظر ثروت و نفوذ در ساختار سیاسی و اقتصادی تاجیکستان از موقعیت به مراتب بهتری در قیاس با تاجیکان ازبکستان برخوردارند. همین امر موجب شده است قسمت‌هایی از تاجیکستان به خصوص خُجند عملاً به ازبکستان وابستگی پیدا کنند به نحوی که حزب بازسازی سیاسی و اقتصادی با هدف حفاظت از منافع مناطق شمال تاجیکستان و منطقه خجند که بیشتر ازبک‌نشین هستند، تاسیس شد. ازبک‌های ساکن استان سُغد (خُجند) از قدرت اقتصادی و نفوذ سیاسی زیادی در فضای سیاسی تاجیکستان برخوردارند و در صورت جدایی از تاجیکستان و الحاق این منطقه به ازبکستان، دشواری‌های بسیاری از نظر زمین‌های کشاورزی به تاجیکستان وارد خواهد شد؛ زیرا این منطقه که در دره فرغانه واقع شده در عین حال حاصل‌خیزترین منطقه تاجیکستان به شمار می‌رود (امیراحمدیان و رضازاده، ۱۳۹۱: ۳۹-۴۰).

به واسطه اختلافات و تنش‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف، وضعیت ازبک‌تباران تاجیکستان نیز تبدیل به یکی از موضوعات امنیتی و تنش‌زا در مناسبات ازبکستان دوران اسلام کریم‌اف با تاجیکستان شد و به موازات اتهامات و نگرانی‌هایی که از طرف تاجیکی در رابطه با وضعیت تاجیکان سمرقند، بخارا، سرخان‌دریا، قشقه‌دریا، نمنگان، فرغانه و سیردریا در ازبکستان مطرح می‌شد، طرف ازبکی نیز همواره دولت تاجیکستان را متهم به نقض حقوق قومی، زبانی و فرهنگی ازبکان در مناطق ازبک‌نشین در بخش‌های سُغد و خُجند می‌نمود که این تقابل و جنگ و تنش لفظی عملاً به بخش مهمی از روند امنیتی‌سازی بین دو کشور تبدیل شد.

^۱. Soghd

^۲. Khujand

۳. جنگ داخلی تاجیکستان (۵ می ۱۹۹۲ تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷) هنوز یک سالی از شکل‌گیری این دو جمهوری و برخی برخوردهای مرزی میان ازبکان و تاجیکان در زمینه ترانزیت محصولات گذشته بود که آغاز جنگ داخلی تاجیکستان در می ۱۹۹۲ میلادی، موجب افزایش سطح تنش و اختلاف میان ازبکستان و تاجیکستان شد. اسلام کریم‌اف که به شدت نگران سرایت جنگ داخلی تاجیکستان به داخل مرزهای ازبکستان از دو جهت تحریک احساسات قومی و ملی‌گرایانه تاجیکان ساکن در ازبکستان و رشد احساسات دینی و اسلام سیاسی در نتیجه گسترش دامنه فعالیت و نفوذ حزب نهضت اسلامی تاجیکستان به داخل ازبکستان بود در اقدامی پیشگیرانه بخشی از نیروهای نظامی ازبکستان را وارد خاک تاجیکستان نمود^۱ و در همین مقطع بود که پرواز مستقیم میان دوشنبه و تاشکند نیز قطع شد که تا ۲۴ سال بعد یعنی سال ۲۰۱۶ میلادی ادامه یافت. در خلال جنگ داخلی تاجیکستان (۱۹۹۲-۱۹۹۷)، ازبکستان میزبان پناهندگان قابل توجهی از ازبکان و تاجیکان شد که بسیاری از آنها پس از پایان جنگ به تاجیکستان بازنگشتند و در ازبکستان باقی ماندند که این امر با توجه به اختلافات تاریخی و سنتی بین دو کشور در رابطه با وضعیت مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان موجب تقویت روند امنیتی‌سازی در روابط تاجیکستان و ازبکستان در آن مقطع شد.

۴. اختلافات مرزی و مین‌گذاری در نقاط مرزی ممانعت از تردد اتباع تاجیکستان به سایر کشورها از طریق ایجاد موانعی مانند مین‌گذاری و ایجاد موانع قانونی در مرزها یکی دیگر از چالش‌های مهم در روابط تاجیکستان و ازبکستان و از مصادیق مهم امنیتی‌شدن مناسبات دو کشور در دوران ریاست جمهوری اسلام کریم‌اف به شمار می‌رفت. طول مرزهای ازبکستان و تاجیکستان یک هزار و ۱۶۱ کیلومتر است که در این مقطع زمانی طولانی، نه تنها اقدام موثری برای تعیین حدود آن صورت نگرفت، بلکه با مین‌گذاری در مناطق مرزی دو کشور از سوی دولت ازبکستان عملاً موجب قطع ارتباط ساکنین دو سوی مرز شد. هرچند دولت ازبکستان دلیل این کار را کنترل مواد مخدر و ایجاد تنگنا و محدودیت برای قاچاق مواد مخدر و فعالیت گروه‌های افراطی و تروریستی از جمله جنبش اسلامی ازبکستان

^۱. هرچند در این مقطع جلسات مشترکی بین رهبران روسیه، ازبکستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در اکتبر ۱۹۹۲ برگزار شد که در نتیجه آن، موافقت‌نامه تشکیل نیروهای حافظ صلح به تصویب رسید که منجر به تشکیل «پیمان امنیت دسته جمعی» شد که به «معاهده تاشکند» یا «پیمان تاشکند» نیز مشهور شده است.

می دانست، اما از آنجا که بیشتر مرز دو کشور تاجیک نشین است، قربانیان اصلی این اقدام روستاییان تاجیک دو کشور بودند که به همین دلیل، تعداد زیادی از آنان به دلیل انفجار مین کشته و یا دچار معلولیت جسمی شدند. صلیب سرخ بین المللی نیز ضمن هشدار به دلیل قربانی شدن شمار زیادی از تاجیکان، بارها از دولت ازبکستان درخواست نمود تا میادین مین در نقاط مرزی با تاجیکستان را بر پایه کنوانسیون اتاوا (مصوب ۱۹۷۷ میلادی) در زمینه محدودیت استفاده از مین های زمینی ضد نفر) پاکسازی کند. موضوع چالش برانگیز مهم دیگر مرزی، وضعیت خاص و پیچیده دره فرغانه بود که شامل استان های اوش و جلال آباد قرقیزستان و سه استان اندیجان، فرغانه و نمنگان ازبکستان و استان سغد تاجیکستان است. وضعیت کوهستانی دره های عمیق، تراکم جمعیتی بالا، حضور اقوام مختلف قرقیزی، ازبک و تاجیک به موازات فعالیت گسترده گروه های قاچاق مواد مخدر و جریان های تروریستی و افراطی موجب شده دره فرغانه به یکی از نقاط چالش برانگیز و اختلافات مرزی بین ازبکستان، تاجیکستان و قرقیزستان تبدیل شود و موجب تقویت و تداوم روند امنیتی شدن به ویژه بین تاشکند و دوشنبه در دوران ریاست جمهوری اسلام کریم اف شود.

۵. نحوه استفاده از منابع آبی و احداث سد راغون از سوی تاجیکستان در فضای سرد، امنیتی و پرتنش حاکم بر مناسبات ازبکستان و تاجیکستان در دوره رهبری اسلام کریم اف، موضوع آب نیز از یک موضوع اقتصادی و زیست محیطی خارج و کاملاً جنبه سیاسی و امنیتی به خود گرفت. در منطقه آسیای مرکزی، تاجیکستان همراه با قرقیزستان به لحاظ بهره مندی از منابع آبی و موقعیت جغرافیایی، کشوری بالا دست^۱ هستند و در مقابل ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان کشورهای پایین دست^۲ محسوب می شوند. تامین منابع آبی برای ازبکستان ۳۰ میلیونی و کشاورزی سنتی به ویژه محصول آب بری مانند پنبه از اهمیتی استراتژیک برخوردار است و به همین دلیل تاشکند با هر نوع تغییر و تحولی در منابع آبی کشورهای بالادست حساسیت نشان می دهد. به همین دلیل، تاشکند همواره با احداث سد راغون در شرق تاجیکستان و نیروگاه قمبراته در قرقیزستان مخالف بود و این امر اقدامات واکنشی و تنش زایی نیز در مقاطع مختلف از سوی دولت ازبکستان به دنبال داشت.

^۱. Upstream Countries

^۲. Downstream Countries

اقدامات واکنشی و تنبیهی تاشکند در زمینه صادرات گاز طبیعی به تاجیکستان، تبلیغات گسترده رسانه‌ای در زمینه زلزله‌خیز بودن منطقه احداث سد راغون با هدف تحت فشار قراردادن دولت تاجیکستان، توقیف واگن‌های تاجیکی که موجب اختلال در روند ساخت نیروگاه سنگ توده-۲ در تاجیکستان و حتی در مقاطعی تهدید به استفاده از قوه قهریه و نیروی نظامی از جمله واکنش‌های دولت اسلام کریم‌اف در رابطه با طرح‌های آبی تاجیکستان و قرقیزستان بود که این امر نیز به موازات سایر مسائل، روند امنیتی‌سازی در مناسبات تاشکند با دوشنبه و بیشکک را شدت بخشید.

با وجود مخالفت‌های ازبکستان، امام علی‌رحمان مصمم به تکمیل و عملیاتی شدن سد راغون بود که از دو بعد یعنی کنترل بیشتر بر منابع آبی به ویژه کنترل سیلاب‌ها و تامین منابع برق آبی برای تاجیکستان بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند بخش مهمی از نیاز به واردات گاز طبیعی ازبکستان را برطرف نماید. به همین دلیل است که «آب برای کشاورزی و گرما برای خانه‌ها» تبدیل به شعار تاجیک‌ها برای احداث سد راغون شد. ضمن این‌که با تکمیل و عملیاتی شدن سد و نیروگاه برق آبی راغون، امکان صادرات بیشتر برق تاجیکستان به افغانستان و سایر مناطق به ویژه با توجه به مشارکت تاجیکستان در طرح کاسا ۱۰۰۰^۱ نیز فراهم خواهد شد. به فاصله دو ماه پس از مرگ اسلام کریم‌اف، دولت تاجیکستان فضا را برای سرعت بخشیدن به طرح سد راغون مساعد دید و امام علی رحمان در آبان ۱۳۹۵ شخصا با لباس کار پشت بولدوزر نشست و در بستن راه رودخانه و خش برای تغییر مسیر آن و آغاز رسمی ادامه عملیات ساخت سد و نیروگاه راغون شرکت کرد که در صورت عملیاتی شدن با ۳۳۵ متر ارتفاع، بلندترین سد جهان خواهد بود (کوزه‌گر کالجی، ۲۷ فروردین ۱۳۹۶).

۶. بهره‌گیری ازبکستان از کریدورهای ترانزیتی به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی
سیاسی و امنیتی شدن کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی نیز یکی دیگر از مصادیق مهم امنیتی‌سازی در مناسبات سرد و پرتنش ازبکستان و تاجیکستان طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی بود. در واقع، مانع‌تراشی‌های ازبکستان در راه ترانزیت کالا و تجهیزات تاجیکستان از راه‌آهن آسیای مرکزی از جمله تدابیری بود که دولت تاشکند (دوران اسلام کریم‌اف) به منظور تشدید فشار بر همسایه خود در دستور کار قرار داده بود (اوراسیای مرکزی، ۶ مهر ۱۳۹۰).

^۱. CASA-1000

به عنوان مثال، اسلام کریم‌اف، رئیس‌جمهور سابق ازبکستان در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی با صدور حکمی دستور داد، انتقال کالا و اقلام مورد نیاز کشورش در وادی فرغانه از طریق راه آهن تاجیکستان در این منطقه کاهش یابد. در همین راستا، دولت ازبکستان از سیستم واحد انرژی برق آسیای مرکزی خارج شد. این اقدام ازبکستان مانع از انتقال گاز ترکمنستان به تاجیکستان شد (Anceschi, 2009:85). بهره‌گیری از کریدورهای ترانزیتی به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی علیه تاجیکستان در مقاطعی بر روی همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و تاجیکستان به ویژه در زمان احداث سد سنگ توده ۲ (۱۸۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر دوشنبه در استان ختلان تاجیکستان) نیز تاثیر منفی گذاشت که در مواردی موجب انتقال هوایی برخی از توربین‌ها و ماشین‌آلات و تجهیزات فنی از ترکمنستان به تاجیکستان نیز شد.

۷. بهره‌گیری سیاسی ازبکستان از انتقال انرژی به تاجیکستان انرژی نیز موضوع مهم دیگری بود که در دوران ریاست جمهوری اسلام کریم‌اف از ماهیت طبیعی و اقتصادی خود خارج و تبدیل به یک عامل فشار سیاسی و امنیتی به تاجیکستان شد. اساساً یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار اقتصادی تاجیکستان، وابستگی این کشور به واردات نفت خام و گاز طبیعی است.^۱ دشوار استخراج گاز و نفت در تاجیکستان سبب شده است که این کشور بیش از ۹۵ درصد نیاز خود به بنزین و گاز را از محل واردات تامین کند.^۲ واردات گاز طبیعی تاجیکستان به طور عمده از ازبکستان و گاز مایع (ال. ان. جی) از قزاقستان صورت می‌گیرد که با توجه به این‌که بیش از ۶۰ درصد وسایل نقلیه در این کشور از گاز مایع به عنوان

^۱ . هرچند تاجیکستان دارای ذخایر نفت خام و گاز طبیعی است و براساس گزارش کمیته مدیریت اموال دولتی و سرمایه‌گذاری تاجیکستان در وسعت بیش از ۳۴ هزار کیلومتر مربع و به طور عمده در شمال و جنوب غرب این کشور، میادین نفت و گاز شناسایی شده که تا کنون به بیش از ۱۱۷ میلیون تن نفت، ۸۵۷ میلیارد متر مکعب گاز و ۳۶ میلیون تن میعانات گازی رسیده است. با این وجود، کارشناسان مشکل اصلی استخراج نفت و گاز در تاجیکستان را قرار داشتن این ذخایر در عمق زیاد زمین و کوهستانی بودن بیشتر مناطق این کشور می‌دانند که به سرمایه‌گذاری کلان و تجهیزات پیشرفته نیاز دارد.

^۲ . فدراسیون روسیه از کشورهای تامین‌کننده اصلی بازار فرآورده‌های نفتی تاجیکستان است؛ به طوری‌که ۹۱/۵ درصد از کل محصولات وارداتی نفتی از خارج به تاجیکستان به روسیه تعلق دارد. همچنین ورود فرآورده‌های نفتی به تاجیکستان از ترکمنستان ۴/۸ درصد است.

سوخت استفاده می‌کنند، قزاقستان از نقش بسیار مهمی در تامین سوخت داخلی تاجیکستان برخوردار است.

این سطح از وابستگی تاجیکستان به واردات انرژی باعث شد دولت ازبکستان در دوران اسلام کریم‌اف از این عامل در جهت اعمال فشار بر دوشنبه به ویژه در زمینه مسائل آبی استفاده کند و بارها اقدام به قطع گاز و برق صادراتی به تاجیکستان نماید که این امر نقش بسیار مهمی در افزایش فضای بی‌اعتمادی و تنش بین دو کشور طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی ایفا نمود و دولت تاجیکستان را بر آن داشت تا با سرعت بخشیدن به عملیات احداث سد و نیروگاه برق راغون، توسعه اکتشاف و توسعه میادین نفت و گاز و نیز ساخت پالایشگاه با مشارکت چین و برخی از کشورهای اروپایی بتواند از سطح و حجم وابستگی به واردات انرژی به ویژه واردات گاز طبیعی از ازبکستان بکاهد و این اهرم فشار سیاسی و امنیتی را از دست تاشکند خارج سازد.

۸. اختلافات و رقابت‌های ازبکستان و تاجیکستان در صحنه تحولات داخلی

افغانستان، افغانستان درگیر جنگ داخلی نیز یکی دیگر از عرصه‌های رقابت و نفوذ ازبکستان و تاجیکستان در دهه ۹۰ میلادی بود. تاجیکستان ۱۲۰۶ کیلومتر مرز مشترک با افغانستان دارد. در بین دو جنگ داخلی که در تاجیکستان و افغانستان جریان داشت، یک رشته اقدام‌های متقابل نیز صورت گرفت و طی آن تسهیلات و تجهیزاتی از طرف افغانستان در اختیار فعالان مخالف تاجیک گذارده شد و چند اردوگاه آموزش نظامی نیز در داخل افغانستان و در نزدیکی مرکز تاجیکستان تاسیس شد (امیراحمدیان و رضازاده، ۱۳۹۱: ۴۱).

دولت‌های تاجیکستان و ازبکستان در راستای حمایت از جبهه ضد طالبان و متحد شمال وارد عمل شدند که نمونه بارز این امر را باید حمایت آشکار دولت ازبکستان از ژنرال عبدالرشید دوستم^۱ ازبک و حمایت دولت تاجیکستان از احمد شاه

۱. ژنرال دوستم که اصالتاً ازبکی است در سال ۱۹۵۲ میلادی در منطقه خواجه دوکوه ولایت جوزجان در شمال افغانستان به دنیا آمد. دوستم به عنوان یکی از فرماندهان اصلی گروه‌های شبه نظامی، حضوری بسیار فعال در صحنه تحولات افغانستان از زمان اشغال افغانستان توسط قوای شوروی در دهه ۸۰ میلادی داشته است. در جریان جنگ‌های داخلی، ژنرال دوستم با هدف مبارزه مشترک با طالبان با احمد شاه مسعود، فرمانده ضد طالبان متحد و عملاً تبدیل به یکی از فرماندهان مطرح ائتلاف شمال شد. ژنرال دوستم پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۴ میلادی، معاون اول اشرف غنی احمدزی رئیس‌جمهور افغانستان شد.

مسعود^۱ تاجیک در صحنه تحولات افغانستان دانست. اما پایان جنگ داخلی تاجیکستان (۱۹۹۷) و سقوط رژیم طالبان در افغانستان (۲۰۰۱) به معنی پایان مشکلات و چالش‌های تاجیکستان و ازبکستان نبود و دو کشور در زمینه‌ها و حوزه‌های مختلفی وارد رقابت و اختلاف شدند که این امر نیز به موازات سایر عوامل زمینه را برای امنیتی‌شدن فضای مناسبات دو کشور طی سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی فراهم نمود.

در واقع، می‌توان گفت اختلافات و رقابت‌های ازبکستان و تاجیکستان در این مقطع بخشی از سیاست‌ها و رویکردهای متفاوت دو کشور در حوزه کلان سیاست خارجی به ویژه در نوع رابطه با همسایگان و فدراسیون روسیه بود. در حالی که تاجیکستان با پذیرش نیروهای نظامی روسی در پایگاه ۲۰۱ موتوری، عضویت در پیمان امنیت دسته جمعی و سازمان همکاری شانگهای و اظهار تمایل برای بررسی عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، رویکرد باثباتی را در قبال روسیه شکل داد، ازبکستان دوران اسلام کریم‌اف با دو بار خروج از پیمان امنیت دسته جمعی (۱۹۹۹ و ۲۰۱۳ میلادی)، عدم مشارکت در مانورهای نظامی سازمان همکاری شانگهای با وجود عضویت در این سازمان، اعطای پایگاه نظامی خان‌آباد به نیروهای آمریکایی و اعضای ناتو (۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ میلادی) و عدم تمایل به عضویت در اتحادیه اقتصادی اوراسیا، رویکرد کاملاً واگرایانه‌ای را در قبال روسیه به نمایش گذاشت. این تفاوت در رویکرد کلان سیاست خارجی ازبکستان و تاجیکستان مانع از همکاری و همگرایی کامل دو کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی - دفاعی در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی شد که همراه با عاملی که در این بخش به آن اشاره شد در مجموع فضایی از تنش و سوءظن را میان این دو کشور مهم منطقه آسیای مرکزی ایجاد نمود و در نتیجه بسیاری از موضوعات همانند قومیت، زبان، انرژی و کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی از ماهیت اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی خود خارج شد و جنبه سیاسی و امنیتی به خود گرفت.

^۱. احمدشاه مسعود ملقب به «شیر دره پنجشیر» در قریه جنگلک ولایت پنجشیر در ۲ سپتامبر ۱۹۵۳ میلادی زاده شد. مسعود از فرماندهان و مجاهدین برجسته افغانستان بود که سال‌ها با ارتش شوروی جنگید و پس از آن هم درگیری‌های داخلی افغانستان نقش عمده‌ای داشت. احمدشاه مسعود در ۹ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی، بر اثر انفجار انتحاری دو تروریست مظنون به ارتباط با شبکه القاعده که خود را خبرنگار معرفی کرده بودند در خواجه بهاء‌الدین ولایت تخار افغانستان کشته شد.

تحول در سیاست خارجی ازبکستان در دوران شوکت میرضیایف

با درگذشت ناگهانی اسلام کریماف در سپتامبر ۲۰۱۶ (شهریور ۱۳۹۵) و پیروزی از قبل پیش‌بینی شده شوکت میرضیایف در انتخابات ریاست جمهوری ازبکستان در دسامبر ۲۰۱۶ (آذر ۱۳۹۵)^۱، فضای جدید و نسبتاً متفاوتی در عرصه سیاست داخلی و خارجی این کشور مهم آسیای مرکزی شکل گرفت و میرضیایف به پشتوانه تجربه سیزده ساله دوران نخست‌وزیری و حمایت‌های بیرونی به ویژه از ناحیه چین و روسیه توانست در عرصه داخلی جایگاه سیاسی خود را به صورت قابل توجهی تثبیت کند و برنامه اصلاحات اقتصادی مورد نظر خود را به مرحله اجرا دریاورد.

در عرصه سیاست داخلی، شوکت میرضیایف کوشش نمود با انجام اصلاحات مختلف اقتصادی و برکناری مقامات گذشته، از زیر سایه سنگین و کیش شخصیت اسلام کریماف خارج شود؛ تقریباً مشابه رویکردی که بردی محمداف در ترکمنستان بعد از به قدرت رسیدن در قبال کیش شخصیت صفر ماد نیازاف (ترکمن‌باشی) انجام داد. تداوم حصرخانگی گلناره کریموا^۲ (فرزند ارشد رئیس جمهور سابق ازبکستان)، برکناری رستم

^۱. کریماف ۷۸ ساله پسر و یا جانشین مشخصی نداشت و لذا مرگ ناگهانی او موضوع جانشینی را به موضوعی مهم در فضای سیاسی داخل ازبکستان در مقطع سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی تبدیل نمود. گلناره کریموا (متولد ۱۹۷۲ میلادی، ۴۴ ساله و دختر ارشد اسلام کریماف)، شوکت میرضیایف (متولد ۱۹۵۷ میلادی، ۵۹ ساله و نخست‌وزیر وقت ازبکستان)، رستم عظیماف (متولد ۱۹۵۸ میلادی، ۶۰ ساله و معاون اول نخست‌وزیر و وزیر دارایی وقت ازبکستان) و رستم عنایتاف (متولد ۱۹۴۴ میلادی، ۷۲ ساله و رئیس وقت سازمان امنیت ملی ازبکستان (اس.ان.بی) چهار گزینه محتمل و اصلی جانشینی اسلام کریماف بودند. با این وجود، شوکت میرضیایف بنا به دلایل مختلف از جمله شرایط سنی زیر ۶۰ سال، بیش از یک دهه حضور صورت مستمر در راس ساختار سیاسی ازبکستان به عنوان نخست‌وزیر، سیاستمدار مورد اعتماد شخص اسلام کریماف، سرویس امنیتی ازبکستان و دولت روسیه و عدم برخورداری از حاشیه‌های سیاسی، اخلاقی و مالی در قیاس با گلناره کریموا و رستم عنایتاف توانست در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی در جایگاه کفیل ریاست جمهوری قرار گیرد و در انتخابات ریاست جمهوری ازبکستان در دسامبر ۲۰۱۶ (آذر ۱۳۹۵) نیز به عنوان رئیس جمهور جدید ازبکستان انتخاب شود.

^۲. گلناره کریموا، متولد ۱۹۷۲ میلادی (۴۴ ساله)، دختر ارشد اسلام کریماف، دانش‌آموخته اقتصاد در دانشگاه اقتصاد تاشکند، دارای مدرک کارشناسی مطالعات منطقه‌ای از دانشگاه هاروارد و دکترای علوم سیاسی از دانشگاه سیاست و اقتصاد جهانی تاشکند است. گلناره کریموا در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ازبکستان حضوری بسیار فعالی داشته است. ریاست شورای سرپرستی بنیاد همایش فرهنگ و هنر ازبکستان، سفیر

عظیم‌اف^۱ از معاونت نخست‌وزیری در خرداد ۱۳۹۶ با بیش از ده سال سابقه همکاری با شوکت میرضیایف در دوران نخست‌وزیری، برکناری گالینا سعیدووا، وزیر اقتصاد ازبکستان که از نزدیکان رستم عظیم‌اف محسوب می‌شد و از سال ۲۰۱۰ عهده‌دار این مسئولیت بود، برکناری الیار غنی‌یف، وزیر روابط اقتصادی خارجی، سرمایه‌گذاری و بازرگانی ازبکستان و از همه مهم‌تر برکناری رستم عنایت‌اف^۲ که از مقطع استقلال ازبکستان ریاست سرویس امنیتی این کشور را برعهده داشت و به دلیل حضور و نفوذ بخش امنیتی در عرصه اقتصادی، شبکه وسیع و قدرتمندی از رانت، انحصار و الیگارش‌ی را در ازبکستان ایجاد نمود، از جمله مهم‌ترین اقدامات میرضیایف برای تثبیت جایگاه خود در دوران پس از اسلام کریم‌اف به شمار می‌رود که علاوه بر ابعاد سیاسی در حوزه اقتصادی زمینه را برای پیشبرد سریع‌تر اصلاحات اقتصادی و الحاق رسمی و کامل ازبکستان به سازمان تجارت جهانی فراهم می‌کند.

ازبکستان در دفتر سازمان ملل متحد در ژنو و سفیر ازبکستان در اسپانیا از جمله مهم‌ترین مسئولیت‌های وی به شمار می‌رود و به همین دلیل در محافل سیاسی و رسانه‌ای ازبکستان همواره از گلناره کریم‌اف به عنوان یکی از گزینه‌های جانشینی اسلام کریم‌اف یاد می‌شد. با این وجود، مسائل حاشیه‌های فراوان اخلاقی و اقتصادی گلناره تا حد بسیار زیادی به این جایگاه و موقعیت سیاسی وی لطمه وارد ساخته است. طرح اتهام پولشویی و فساد مالی به گلناره در ازبکستان، فرانسه، سوئد، لیتوانی و سوئیس که منجر به توقف فعالیت هفت شبکه رادیو و تلویزیونی و مراکز تجاری وی از سوی اسلام کریم‌اف و نیز بازداشت مدیران اقتصادی و رسانه‌ای نزدیک به گلناره از سوی سرویس امنیت ملی ازبکستان شد و نیز جنجال انتشار عکس‌های نیمه‌برهنه وی در فضای مجازی در سال ۲۰۱۳ میلادی که انعکاس بسیار منفی و گسترده‌ای در افکار عمومی و عصبانیت شدید اسلام کریم‌اف و در نهایت حبس خانگی گلناره از سال ۲۰۱۴ میلادی را در پی داشت از جمله مواردی بود که از شانس گلناره کریم‌اف برای جانشینی پدرش کاست.

^۱ رستم عظیم‌اف، متولد ۱۹۵۸ میلادی، از سال ۲۰۰۵ میلادی تا زمان درگذشت اسلام کریم‌اف، معاونت اول نخست‌وزیر و وزارت دارایی ازبکستان را برعهده داشت و در گذشته نیز مسئولیت‌های مهمی چون معاونت نخست‌وزیری، وزارت دارایی، وزارت اقتصاد، وزارت اقتصاد کلان و آمار، وزارت ارتباطات اقتصادی خارجی، سرمایه‌گذاری و تجارت ازبکستان را برعهده داشت و از چهره‌های نزدیک به شوکت میرضیایف محسوب می‌شد.

^۲ رستم عنایت‌اف، متولد ۱۹۴۴ میلادی، از سال ۱۹۹۵ میلادی تا ژانویه ۲۰۱۸ میلادی یعنی به مدت ۲۳ سال ریاست سازمان امنیت ملی ازبکستان (اس.ان.بی) را برعهده داشت و به واسطه فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی در کا.گ.ب شوروی و نیز حضور در افغانستان (۱۹۷۱ تا ۱۹۸۱) از چهره‌های بانفوذ و قدرتمند اطلاعاتی و سیاسی ازبکستان محسوب می‌شد. با این وجود کهولت سن عنایت‌اف (۷۲ ساله) و اختلافات شدید و دیرینه عنایت‌اف و گلناره کریم‌اف از جمله عواملی بود که بر وضعیت این مهره پرسابقه اطلاعاتی و امنیتی در مقام جانشینی اسلام کریم‌اف تأثیر منفی برجای گذاشت و در نهایت موجب برکناری او از سوی شوکت میرضیایف در ژانویه ۲۰۱۸ میلادی شد.

اما در عرصه سیاست خارجی، سیاست درهای باز با رویکرد بهبود و توسعه مناسبات با کشورهای آسیای مرکزی و قدرت‌های پیرامونی و منطقه‌ای در دستور کار شوکت میرضیایف قرار گرفته است. اعلام برنامه‌های شوکت میرضیایف در حوزه سیاست خارجی با تاکید بر مواردی چون عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، گسترش همکاری‌های عملی با تمام کشورهای خارجی و جامعه جهانی؛ عدم اجازه استفاده از خاک ازبکستان برای حمله به خاک کشوری ثالث؛ عدم اعزام نظامیان ازبک برای انجام عملیات نظامی در خارج از کشور؛ تحکیم بیش از پیش روابط دوستانه و همکاری‌های متقابل سودمند با تمام کشورها با اولویت‌دهی به کشورهای همسایه، حاکی از رویکرد جدید ازبکستان در عرصه سیاست خارجی بود.

تنش‌زدایی در مناسبات ازبکستان با تاجیکستان به ویژه دیدار تاریخی شوکت میرضیایف از تاجیکستان در ۹ مارس ۲۰۱۸ میلادی و سفر امام علی‌رحمان به تاشکند در ۱۷ اوت ۲۰۱۸ میلادی که نخستین دیدار رسمی رئیس‌جمهور تاجیکستان از ازبکستان پس از ۱۷ سال به شمار می‌رفت فضای روابط دوشنبه و تاشکند را وارد مرحله جدید و متفاوتی نمود. روابط ازبکستان و قرقیزستان نیز در دوره ریاست جمهوری شوکت میرضیایف، روند جدید و متفاوتی را تجربه کرد. سفر میرضیایف به بیشکک در سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی، نخستین سفر رئیس‌جمهور ازبکستان به قرقیزستان پس از ۱۷ سال بود. دو کشور طی کمتر از یک سال موفق به حل و فصل بخش مهمی از مشکلات مرزی، استفاده از منابع آب و همکاری‌های نظامی شدند که در زمان ریاست جمهوری اسلام کریم‌اف غیر قابل تصور به نظر می‌رسید. روابط ازبکستان و قزاقستان نیز که همواره تحت‌الشعاع اختلافات مختلف از جمله شخص اسلام کریم‌اف و نورسلطان نظربایف در رهبری منطقه آسیای مرکزی بود در دوران شوکت میرضیایف وارد مرحله جدید و متفاوتی شد و رهبران قزاقستان و ازبکستان دیدارهای مختلفی با یکدیگر داشته‌اند که قابل قیاس با شرایط گذشته نیست و نورسلطان نظربایف در دیدار با شوکت میرضیایف در شهر سمرقند، سال ۲۰۱۸ را «سال ازبکستان» نامید که با توجه به سابقه اختلافات دو کشور و رقابت‌های همیشگی بین شخص نظربایف و اسلام کریم‌اف، تحول متفاوت و شایان توجهی به شمار می‌رود. به همین دلیل می‌توان گفت ازبکستان دوره شوکت میرضیایف عملاً تبدیل به محور اصلی تغییر و تحولات در منطقه آسیای مرکزی تبدیل شده است.

در عرصه بین‌المللی نیز به موازات ایجاد ثبات در روابط ازبکستان با چین و روسیه از جمله توافق میرضیایف و پوتین برای برگزاری رزمایش مشترک نظامی در خاک ازبکستان بود که پس از سال ۲۰۰۵ دیگر برگزار نشده بود، میرضیایف کوشید سطح مناسبات با ایران، ترکیه، اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا، هند و پاکستان را نیز توسعه دهد و از این طریق توازن بیشتری را در رویکرد کلان سیاست خارجی ازبکستان ایجاد کند. در این راستا بهبود نسبی مناسبات ازبکستان و ایران که با سفر عبدالعزیز کامل‌اف؛ به تهران (مهر ۱۳۹۶) و سفر محمدجواد ظریف به تاشکند (آبان ۱۳۹۶) همراه بود، از جمله تحولات مهم سیاست خارجی نوین ازبکستان محسوب می‌شود. مناسبات ازبکستان با ترکیه نیز که پس از وقوع شورش اندیجان در سال ۲۰۰۵ میلادی به سردی گرائیده بود در دوره جدید رو به بهبودی گذاشت که سفر شوکت میرضیایف به آنکارا بعد از گذشت ۲۰ سال در اکتبر ۲۰۱۷ میلادی به روشنی گویای این امر است. سفر رسمی شوکت میرضیایف به آمریکا در ۱۵ می ۲۰۱۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۷) و دیدار با دونالد ترامپ (پس از گذشت ۱۶ سال از دیدار اسلام کریم‌اف و جرج بوش پسر)، سفر میرضیایف به فرانسه در ۱۵ اکتبر ۲۰۱۸ که به انعقاد قراردادهای متعدد اقتصادی از جمله لغو ویزای سفر شهروندان فرانسوی به ازبکستان منجر شد و سفر رئیس‌جمهور ازبکستان به هند در ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۷ میلادی به روشنی گویای تحولات جدیدی است که در سیاست خارجی ازبکستان پس از درگذشت ناگهانی اسلام کریم‌اف و به قدرت رسیدن شوکت میرضیایف روی داده است.

غیرامنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان (سپتامبر ۲۰۱۶ تاکنون)^۱

بهبود مناسبات سرد و پرتنش ازبکستان و تاجیکستان از مهم‌ترین مصادیق سیاست درهای باز میرضیایف در عرصه سیاست خارجی به شمار می‌رود؛ چنانچه عبدالعزیز کامل‌اف؛ وزیر خارجه ازبکستان در مصاحبه با تلویزیون تاجیکستان صراحتاً به این نکته اشاره می‌کند که «اکنون زمان تجدید پیوندهای طولانی از هم گسیخته»^۲ میان دو کشور فرا رسیده است. حضور امام‌علی رحمان در مراسم تشیع اسلام کریم‌اف در سمرقند، برقراری نخستین پرواز مستقیم از دوشنبه به تاشکند در ۲۰ فوریه ۲۰۱۷ و از تاشکند به دوشنبه در ۱۱ آوریل

^۱ . منظور تا زمان نگارش این مقاله در بهمن ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹ میلادی) است.

^۲ . Time to Renew long-Interrupted

۲۰۱۷ میلادی (پس از ۲۴ سال توقف از ۱۹۹۲ میلادی)، سفر عبدالعزیز کامل اف^۱؛ وزیر خارجه ازبکستان به تاجیکستان، سفر عبدالله عارفاف، نخست‌وزیر ازبکستان به دوشنبه (۲۰ دی ۱۳۹۶)، دیدار دبیر کل تاجیکی سازمان همکاری شانگهای بلافاصله پس از انتخاب شوکت میرضایف، دیدار شوکت میرضایف از تاجیکستان در ۹ مارس ۲۰۱۸ میلادی و سفر امام علی رحمان به تاشکند در ۱۷ اوت ۲۰۱۸ میلادی، موضع ملایم ازبکستان در زمینه مسائل آبی از جمله شرکت حضور وزیر انرژی ازبکستان در مراسم افتتاح نخستین توربین نیروگاه سد راغون در ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی (۲۵ آبان ۱۳۹۷)، بازگشایی مرزهای زمینی و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی دو کشور و انعقاد ده‌ها موافقتنامه بین دو کشور در حوزه‌های مختلف گویای وقوع تحولات جدیدی در مناسبات ازبکستان و تاجیکستان پس از به قدرت رسیدن قدرت رسیدن شوکت میرضایف در سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی است.

در واقع با تغییر نخبگان و بازیگران (کنشگران) امنیتی‌ساز در ازبکستان به ویژه افرادی مانند ویژه اسلام کریم‌اف (رئیس جمهور) و رستم عنایت‌اف (رئیس سرویس امنیت ملی) و قرار گرفتن فردی مانند شوکت میرضایف در راس قدرت سیاسی، نوع گفت‌وگو و ادبیات حاکم بر ازبکستان در رابطه با تاجیکستان تغییر کرد و همین امر موجب شد به تدریج در باور عمومی و نخبگان دو جامعه تاجیکستان و ازبکستان اعتقاد به «تجلی تهدید» و «پذیرش عمومی» به عنوان دو رکن اصلی «منطق امنیتی‌کردن» نسبت به گذشته کم‌رنگ‌تر شود و بدین ترتیب روند جدیدی از تنش‌زدایی و غیر امنیتی‌سازی در مناسبات دو کشور شکل گیرد. به صورت اجمالی، مهم‌ترین مصادیق غیر امنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان از سپتامبر ۲۰۱۶ تاکنون^۲ را می‌توان موضوعات زیر دانست:

۱. کاهش سطح نگرانی درباره وضعیت تاجیکان ازبکستان و ازبکان تاجیکستان، دیدار امام‌علی رحمان از مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان و اتخاذ رویکردهایی چون گشایش نخستین خط اتوبوس‌رانی بین‌المللی در مسیر «تاشکند- خجند- تاشکند» مجوز سوار و پیاده‌کردن مسافر قطارهای مسافربری شرکت راه‌آهن تاجیکستان در شهرهای ترمذ، سمرقند و قرشی ازبکستان و از سرگیری ارتباطات هوایی مستقیم بین پایتخت‌های دو کشور، کاهش سه برابری قیمت بلیت‌ها، پیشنهاد افتتاح پروازهای جدید بین دوشنبه و شهرهای بخارا و سمرقند و...

^۱. Abdulaziz Kamilov

^۲. منظور تا زمان نگارش این مقاله در بهمن ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹ میلادی) است.

می‌تواند به کاهش فشار بر اقلیت‌های تاجیک و ازبک دو کشور کمک کند و روابط فرهنگی و مردمی دو کشور را افزایش دهد (شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴ مهر ۱۳۹۷). در اوایل سال ۲۰۱۸ میلادی، شهروندان تاجیک مقیم ازبکستان با ارسال نامه به رؤسای جمهور تاجیکستان و ازبکستان از آن‌ها خواستند تا کمبود معلم در مناطق تاجیک نشین ازبکستان را برطرف کنند. در این نامه که بیش از ۱۰۰ نفر از شهروندان تاجیک مناطق مختلف ازبکستان آن را نوشته بودند از کمبود معلم در این مناطق و احتمال تعطیلی مدارس ابراز نگرانی شده بود. متعاقب ارسال این نامه در دیدار تاریخی شوکت میرضیایف از دوشنبه در مارس ۲۰۱۸ میلادی نیز رهبران دو کشور موافقت کردند که از طرف دولت تاجیکستان مدرسه‌ای به گنجایش ۶۴۰ دانش آموز برای تاجیک‌تباران سمرقند ساخته شود. دولت ازبکستان نیز متعهد شد که زمینی را برای ساخت یک موسسه آموزشی و مدرسه و تضمین ایمنی کارگران تاجیک در محل ساخت و ساز اختصاص دهد.

برگزاری برنامه روزهای فرهنگ تاجیکستان در ازبکستان در فروردین ۱۳۹۷ که در پاسخ به برگزاری جشنواره روزهای فرهنگ ازبکستان در تاجیکستان در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶ صورت گرفت نیز تحول مهم دیگری در عرصه مناسبات فرهنگی و اجتماعی دو کشور به شمار می‌رود. پس از نزدیک به ۲۵ سال توقف همکاری‌های فرهنگی و هنری، اندیشمندان، موسیقیدانان و هنرمندان تاجیکی و ازبک توانستند به صورت مستقیم و بی‌واسطه آثار و اندیشه‌های خود را به مردمان ازبکستان و تاجیکستان عرضه کنند. مجموع این تحولات که افزایش ارتباطات مردمی دو سوی مرز به ویژه ازبکان و تاجیکان دو کشور که بسیاری از آن‌ها دارای پیوندهای خانوادگی و خویشاوندی هستند را در پی داشته است از جمله تحولات مهمی است که زمینه را برای کاهش سطح تنش، سوءظن و بی‌اعتمادی بین ازبکستان و تاجیکستان فراهم نموده است.

۲. گشایش مرزها و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی، گشایش مرزهای زمینی ازبکستان و تاجیکستان را می‌توان یکی از مهم‌ترین مصادیق و نمادهای غیرامنیتی‌سازی و تنش‌زدایی در مناسبات دو کشور پس از درگذشت اسلام کریم‌اف دانست. در دوران ریاست جمهوری اسلام کریم‌اف در ازبکستان، از بین ۱۶ گذرگاه مرزی تنها دو گذرگاه مرزی میان این کشور و تاجیکستان فعالیت می‌کرد که در جریان سفر شوکت میرضیایف به تاجیکستان در ۹ مارس ۲۰۱۸ (۱۸ اسفند ۱۳۹۶)، بیش از ۱۶ گذرگاه مرزی بین دو کشور پس از دو دهه انسداد،

بازگشایی شد و در سفر امام علی رحمان به تاشکند در ۱۷ اوت ۲۰۱۸ نیز قرار است سازشنامه همکاری‌های راهبردی میان دوشنبه و تاشکند و توافق درباره علامتگذاری مرزهای مشترک به امضا مقامات دو کشور برسد. در همین راستا با حضور روسای ولایت سغد جمهوری تاجیکستان و ولایت سمرقند جمهوری ازبکستان در یک مارس ۲۰۱۸ میلادی، بیش از ۹ گذرگاه مرزی بین دو کشور پس از سال‌ها بازگشایی شد که بازگشایی گذرگاه مرزی «سرزم-جرتپه»^۱ در شهر پنجکنت،^۲ گذرگاه «وچتورگان-کوشکنت»^۳ و «گذرگاه مرزی راه‌آهن «خاشدی-آموزنگ»^۴، از جمله گذرگاه‌هایی است که در فضای جدید مناسبات ازبکستان و تاجیکستان بازگشایی شد.

در این بین، بازگشایی گذرگاه مرزی «جرتپه-سرزم» از اهمیت نمادین به مراتب بیشتری برخوردار بود. این گذرگاه مرزی که استان سمرقند ازبکستان را به استان سغد تاجیکستان متصل می‌کند. در نوامبر ۲۰۱۰ میلادی به طور یک جانبه از سوی ازبکستان بسته شد و به ابتکار مقامات ازبکستان دیواری به ارتفاع ۳ متر و به طول ۱۰ متر احداث شد که شهروندان تاجیکستان به کنایه آن را «دیوار اسلام کریم‌اف»^۵ می‌نامیدند. در مراسم بازگشایی گذرگاه مرزی «سرزم-جرتپه» این دیوار تخریب شد و مقامات تاجیکستان اعلام کردند که قرار است در گذرگاه مرزی «سرزم-جرتپه»، ترمینال و هتل احداث شود. در مجموع گشایش مرزها و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی در مرزهای مشترک ازبکستان و تاجیکستان نقش قابل توجهی در افزایش ارتباطات مردمی، سطح تجارت و حمل و نقل و به ویژه رونق بازرچه‌های مرزی دو کشور داشته است و به همان میزان از سطح تنش و امنیتی‌سازی در مناسبات دوشنبه و تاشکند کاسته شده است.

۳. تقویت همکاری‌های ازبکستان و تاجیکستان در کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی

شوکت میرضیایف توجه خاصی به کریدورهای ارتباطی ترانزیتی در سطح منطقه آسیای مرکزی و مناطق پیرامونی داشته است که این امر با توجه به «محصور در خشکی مضاعف»^۶ ازبکستان از اهمیت بسیار بالا و استراتژیک برخوردار است. در واقع، ازبکستان تنها کشور آسیای مرکزی است که برای دسترسی به آب‌های آزاد باید از دو کشور عبور کند. از این‌رو،

^۱. Sarazm-Dajartep

^۲. Panjkent

^۳. Qushkent- Uchturgan

^۴. Khoshadi- Amuzang

^۵. Karimov's Wall

^۶. Double-Landlocked

میرضیایف با جدیت در صدد تنوع بخشی به مسیرهای جاده‌ای و ریلی در چهار مسیر شمالی (قزاقستان و روسیه)، شرقی (چین)، جنوبی (افغانستان و پاکستان) و غربی (ایران، حوزه خزر و قفقاز) است. از این رو در فضای جدید حاکم بر مناسبات ازبکستان و تاجیکستان و گشایش مرزهای زمینی و گذرگاه‌های مرزی، شوکت میرضیایف موضوع توسعه کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی با تاجیکستان را به صورت جدی در دستور کار قرار داده است که حرکت اولین قطار باری از ایستگاه ترمذ در ولایت سرخان‌دریای ازبکستان به سمت ایستگاه خاشدی^۱ در ناحیه شهر توس در ولایت ختلان تاجیکستان نمونه بارز این رویکرد جدید دولت ازبکستان به شمار می‌رود. ضمن آن که فراتر از مناسبات دو جانبه، میرضیایف به توسعه کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی با تاجیکستان به عنوان بخشی از طرح‌های کلان اقتصادی در منطقه به ویژه برنامه راه ابریشم چین (ابتکار یک کمربند - یک راه) است که با اتصال شبکه‌های جاده‌ای و ریلی ازبکستان به کشورهای منطقه، زمینه برای افزایش جایگاه ترانزیتی و اقتصادی ازبکستان در سطح منطقه آسیای مرکزی و ایفای نقش موثرتر این کشور در هر دو کریدور شمالی - جنوبی و شرقی - غربی فراهم خواهد شد.

۴. افزایش سطح مناسبات اقتصادی و تجاری، هرچند ازبکستان در معاملات تجاری تاجیکستان، رتبه پنجم را دارد و روابط تجاری از سال ۲۰۱۴ در محدوده ۱۰۰ میلیون دلار متوقف شده بود؛ اما دو کشور توانسته‌اند در سال گذشته حجم تجارت مشترک خود را ۲۰ درصد افزایش و به ۲۴۰ میلیون دلار رسانند و تجارت در نیمه اول سال ۲۰۱۸ هم دو برابر شده است. در واقع در نتیجه سفر رحمان به ازبکستان؛ طرفین ۲۷ سند پیرامون همکاری در حوزه صنعت، استانداردسازی، صدور گواهینامه، عبور از مرزها، حمل‌ونقل، انرژی و استفاده از آب امضا شد و روسای جمهور در مورد از سرگیری ارتباطات هوایی مستقیم بین پایتخت‌های دو کشور و کاهش سه برابری قیمت بلیت‌ها هم به توافق رسیدند. آنها توافق کرده‌اند که تا سال ۲۰۲۰ از تجارت مشترک ۵۰۰ میلیونی بهره‌مند شوند. در این میان جدا از «لغو روادید» برای سفرهای یک‌ماهه، افزایش صادرات برق تاجیکستان به ازبکستان در نیمه دوم ۲۰۱۸، بازگشایی ۹ گذرگاه مرزی بین این کشور و ازبکستان و ... می‌تواند گسترش هرچه بیشتر تجارت مرزی و کشوری میان دو کشور را فراهم کند. (شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴ مهر ۱۳۹۷)

^۱. Khoshadi

۵. کاهش تنش‌های آبی و تقویت همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای، بسیاری از کارشناسان، سکوت میرضیایف در قبال حضور امام علی رحمان برای بستن راه رودخانه وخش برای تغییر مسیر آن در آبان ۱۳۹۵ را تاکتیکی و موقتی می‌دانستند. وضعیت سیاسی میرضیایف در آن مقطع به عنوان کفیل ریاست جمهوری ازبکستان و نیز آغاز فصل سرما و یخبندان که عملاً روند احداث سد راغون را با مشکل و کندی مواجه می‌ساخت، از جمله دلایلی بود که از سوی کارشناسان در تحلیل چرایی سکوت شوکت میرضیایف مطرح شده بود. اما حل‌وفصل مسئله نیروگاه برق‌آبی فرهاد در مرز دو کشور و کاهش اختلافات دو کشور پیرامون نیروگاه برق‌آبی «راغون» نشان داد که این تغییرات، مقطعی و تاکتیکی نیست و تحول قابل توجهی در رویکرد دولت جدید ازبکستان در قبال منابع آبی منطقه روی داده است.

در این فضای جدید، دولت‌های ازبکستان و تاجیکستان موافقت کردند که ساخت مشترک دو نیروگاه برق‌آبی در خاک تاجیکستان بر روی رودخانه زرافشان با ظرفیت تولید ۳۲۰ مگاوات برق را آغاز کنند. در واقع اکنون ظرفیت تولید برق و ذخیره‌سازی آب برای ازبکستان هم بسیار مهم و سودمند است. این رویکرد نشان از تغییر نگاه تاشکند است و در کنار دادن تضمین‌هایی از سوی دوشنبه به ازبکستان می‌تواند به حل بسیاری از چالش‌های دو کشور پیرامون «راغون» و مشکل آب منتهی گردد. (شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴ مهر ۱۳۹۷) دیدار روسای جمهور پنج کشور آسیای مرکزی از جمله امام علی رحمان و شوکت میرضیایف در حاشیه نشست مقامات کشورهای مؤسس بنیاد بین‌المللی نجات دریاچه آرال در منطقه گردشگری «آوازه» در شهر «ترکمن باشی» در ۲۴ اوت ۲۰۱۸ میلادی (۲ شهریور ۱۳۹۷) و شرکت وزیر انرژی ازبکستان در مراسم افتتاح نخستین توربین نیروگاه سد راغون در ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۷ میلادی (۲۵ آبان ۱۳۹۷)

۶. همکاری‌های مشترک در مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی دینی و تحولات افغانستان، افغانستان در چند دهه گذشته از میدان‌های سنتی چالش تاجیکستان و ازبکستان (با محوریت ربانی- احمدشاه مسعود و ژنرال دوستم) بوده است. اما اکنون با توجه به افزایش رایزنی دو کشور در مورد افغانستان، تقویت راه‌های مبارزه با سازمان‌های تروریستی و قاچاق مواد مخدر و فروش غیرقانونی سلاح این امر می‌تواند نگاه‌های دو پایتخت در بحران افغانستان را به یکدیگر نزدیک کند و به همگرایی دو کشور در افغانستان کمک و اختلاف‌نظرها را کمتر کند. در این بین از یک سو افزایش شمار مخالفان مسلح چون داعش

از جمله در مناطق شمالی هم‌جوار مرز با آسیای مرکزی تهدیدی برای کشورهای منطقه و پیمان امنیت جمعی و ازبکستان است و همکاری تاجیکستان و ازبکستان می‌تواند نگاه‌های دو کشور به بحران افغانستان را به یکدیگر نزدیک کند و دو پایتخت در همراهی با مسکو در جستجو و قالبی برای برقراری ارتباط با طالبان هم‌جوار با مرز به منظور تأمین امنیت مرز در مقابل داعش باشند. در بعد دیگری دوشنبه می‌تواند از کوشش‌های اخیر ازبکستان برای میانجی‌گری میان طالبان و دولت افغانستان و برگزاری اجلاس‌هایی مربوط به افغانستان ازبکستان پشتیبانی کند (شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴ مهر ۱۳۹۷). در این راستا، ازبکستان در دوره رهبری شوکت میرضیایف میزبان چندین کنفرانس منطقه‌ای و بین‌المللی در مورد افغانستان بود که کنفرانس «افغانستان، راهی به سوی یک آینده صلح‌آمیز» در تاشکند در ۲۶ مارس ۲۰۱۸ میلادی از مهم‌ترین آنها به شمار می‌رود.

پیامدهای غیر امنیتی‌سازی در روابط ازبکستان و تاجیکستان: تقویت همکاری‌های منطقه‌ای پنج کشور آسیای مرکزی

روند تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی که پس از درگذشت اسلام کریم‌اف در مناسبات ازبکستان و تاجیکستان از سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی آغاز شده است، پیامدها و نتایج بسیار مهمی را در سطح منطقه آسیای مرکزی به دنبال داشته است که تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور منطقه آسیای مرکزی در حوزه‌های مختلف بدون مشارکت قدرت‌های بیرونی به ویژه فدراسیون روسیه و چین است که با وجود اختلافات و رقابت‌های مختلف بین بازیگران این منطقه، فضا و شرایطی متفاوتی را نسبت به قبل از سال ۲۰۱۶ میلادی در آسیای مرکزی شکل داده است.

رویکرد منطقه‌ای شوکت میرضیایف در زمینه بهره‌برداری فراملی از منابع آبی به ویژه در رابطه با دو کشور تاجیکستان (سد راغون) و قرقیزستان (سد قمبراته) و نیز کوشش در جهت همگرایی اقتصادهای ملی و توسعه تجارت منطقه‌ای (تقویت کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی) به ویژه در نقاط مشترک مرزی (گشایش مرزها و گذرگاه‌های مرزی) موجب شده است برخی از تحلیلگران از این رویکرد به عنوان نوعی «الگوی ازبکی از آ. س. آن»^۱ برای آسیای مرکزی

^۱. ASEAN, Uzbek-Style

از سوی رهبری جدید ازبکستان یاد کنند (Sttarov, January 19, 2018). شکل‌گیری «برنامه مدیریت مرزی در آسیای مرکزی»^۱ با مشارکت پنج کشور منطقه به دلیل مقابله مشترک با قاچاق مواد مخدر و تامین امنیت خطوط انتقال انرژی و کریدورهای ارتباطی از حمایت اتحادیه اروپا نیز برخوردار است، مشارکت پنج کشور منطقه و افغانستان در برنامه «ایجاد مشارکت منطقه‌ای در افغانستان و آسیای مرکزی»^۲ که با حمایت سازمان ملل متحد شکل گرفته است و شکل‌گیری مکانیسم موسوم ۱+۵ بین کشورهای آسیای مرکزی با ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن، نمونه‌های بارزی از تقویت رویکردهای منطقه‌ای برای حل و فصل مسائل و مشکلات در سطح منطقه آسیای مرکزی است که فرایند غیر امنیتی‌سازی و تنش‌زایی در مناسبات ازبکستان با تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان، نقش مهم و محوری در شکل‌گیری این روندهای جدید ایفا نموده است.

شاید بتوان برآیند کلی تحولات یاد شده را کوشش کشورهای منطقه آسیای مرکزی در برگزاری نشست‌های پنج‌جانبه بدون حضور سایر قدرت‌های بیرونی از جمله چین و فدراسیون روسیه دانست که به تعبیر گئورگی گوتیف^۳ از کارشناسان مسائل منطقه آسیای مرکزی تا چند سال قبل حتی تصور آن هم مشکل بود (Gotev, March 2018). ایده شکل‌گیری اجلاس پنج کشور در حاشیه اجلاس وزیران خارجه کشورهای آسیای مرکزی با جان کری، وزیر خارجه وقت آمریکا در سمرقند ازبکستان در اول نوامبر ۲۰۱۵ میلادی شکل گرفت و در این راستا وزیران خارجه چهار کشور قرقیزستان، تاجیکستان، ازبکستان و قزاقستان و نماینده دائم ترکمنستان در سازمان ملل متحد در نیویورک در حاشیه نشست «ایجاد مشارکت منطقه‌ای در افغانستان و آسیای مرکزی» در ۱۸ ژانویه ۲۰۱۸ با یکدیگر دیدار کردند.

متعاقب این نشست و دیدار تاریخی شوکت میرضیایف، رئیس‌جمهور ازبکستان از تاجیکستان در سفر تاریخی شوکت میرضیایف به تاجیکستان در ۹ مارس ۲۰۱۸ (۱۸ اسفند ۱۳۹۶)، اجلاس پنج کشور آسیای مرکزی با حضور چهار رئیس‌جمهور شامل نورسلطان نظربایف (قزاقستان)، شوکت میرضیایف (ازبکستان)، سارانبای ژئبیکاف^۴ (قرقیزستان) و امام‌علی رحمان (تاجیکستان) و

^۱ Border Management Programme in Central Asia (BOMCA)

^۲ Building Regional Partnership in Afghanistan and Central Asia

^۳ Georgi Gotev

^۴ Sooronbay Jeenbekov

آکجا نوربردیوا^۱ (رئیس مجلس ترکمنستان)^۲ در ۱۸ مارس ۲۰۱۸ میلادی در شهر آستانه قزاقستان برگزار شد که کاترین پوتز^۳ در مقاله‌ای با عنوان «کنون همه در کنار یکدیگر: رهبران آسیای مرکزی در نشست آستانه ملاقات می‌کنند»^۴ (Putz, March 13, 2018) و کالیف^۵ از کارشناسان منطقه آسیای مرکزی نیز با یادداشتی تحلیلی تحت عنوان «شست آستانه یک دوران جدید برای آسیای مرکزی بدون روسیه را برجسته ساخت» (Kaliyev, March 19,⁶ 2018) به این تحول مهم در روند همگرایی منطقه‌ای اشاره می‌کنند.

در ادامه این روند، وزیران خارجه پنج کشور آسیای مرکزی در ۲۲ جولای (۳۱ تیر ۱۳۹۷) در شهر چولپون-آتا^۷ قرقیزستان با یکدیگر دیدار کردند و متعاقب آن نشست مقامات کشورهای مؤسس بنیاد بین‌المللی نجات دریاچه آرال^۸ در منطقه گردشگری «آوازه»^۹ در شهر «ترکمن باشی» در ۲۴ اوت ۲۰۱۸ میلادی (۲ شهریور ۱۳۹۷) با حضور روسای جمهور پنج کشور منطقه آسیای مرکزی برگزار شد که تداوم این دیدارها در سطح مقامات ارشد پنج کشور منطقه گویای تحول جدید و متفاوتی از نظر شکل‌گیری زمینه‌های همکاری و همگرایی منطقه‌ای پس از گذشت بیست و هفت سال از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای منطقه آسیای مرکزی است.

نتیجه‌گیری

این مقاله با این پرسش شکل گرفت که دلایل و زمینه‌های تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی در مناسبات تاجیکستان و ازبکستان چیست؟ و این امر چه آثار و پیامدهایی را به دنبال داشته است؟ در پاسخ به پرسش‌های یاد شده، وضعیت مناسبات تاجیکستان و ازبکستان با کاربرست مفاهیم و مولفه‌های نظری امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی و بر اساس قرائت مکتب

^۱. Akja Nurberdiyewa

^۲. قربانقلی بردی محمداف، رئیس جمهور ترکمنستان به دلیل سفر از قبل برنامه‌ریزی شده به کویت و امارات متحده عربی در نشست سران کشورهای آسیای مرکزی در آستانه قزاقستان حضور نیافت.

^۳. Catherine Putz

^۴. All Together Now: Central Asia's Leaders Set to Meet in Astana

^۵. Arman Kaliyev

^۶. Astana Meeting Marks Dawn of New Era for Central Asia -- without Russia

^۷. Cholpon-Ata

^۸. International Fund for Saving the Aral Sea (IFAS)

^۹. Avazeh

امنیتی کپنهاگ به دوره زمانی مشخص تقسیم شد. مقطع اول که دوره تقریباً طولانی رهبری اسلام کریم‌اف در ازبکستان (۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ میلادی) را در بر می‌گیرد، مقطع امنیتی‌سازی مناسبات این کشور با تاجیکستان تعریف شد که بر اساس آن بسیاری از موضوعات اجتماعی (قومیت، زبان و فرهنگ) و اقتصادی (منابع آبی و محیط زیستی) از وضعیت طبیعی و عادی خود خارج شده و جنبه سیاسی و امنیتی به خود گرفت. وضعیت مناطق تاجیک‌نشین ازبکستان و سیاست ازبکی‌سازی، وعیت ازبک‌تباران تاجیکستان، جنگ داخلی تاجیکستان (۵ می ۱۹۹۲ تا ۲۷ ژوئن ۱۹۹۷)، اختلافات مرزی و مین‌گذاری در نقاط مرزی، نحوه استفاده از منابع آبی و احداث سد راغون از سوی تاجیکستان بهره‌گیری ازبکستان از کریدورهای ترانزیتی به عنوان اهرم فشار سیاسی و امنیتی بهره‌گیری سیاسی ازبکستان از انتقال انرژی به تاجیکستان و اختلافات و رقابت‌های ازبکستان و تاجیکستان در صحنه تحولات داخلی افغانستان، هشت موضوع مهمی بود که در این مقطع از سوی بازیگران (کنشگران) امنیتی‌سازی نظیر اسلام کریم‌اف، رستم عنایت‌اف و امام علی رحمان فرایند امنیتی‌سازی در مناسبات دو کشور همسایه ازبکستان و تاجیکستان را شکل داد و با ایجاد شکاف و اختلاف در منطقه آسیای مرکزی نقش مهمی در عدم شکل‌گیری و توسعه همکاری‌های مشترک منطقه‌ای در آسیای مرکزی با مشارکت پنج کشور منطقه در فاصله سال‌های ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۶ ایفا نمود.

پس از درگذشت ناگهانی اسلام کریم‌اف در سپتامبر ۲۰۱۶ (شهریور ۱۳۹۵)، شوکت میرضیایف به عنوان رهبری جدید ازبکستان در عرصه داخلی کوشش نمود با انجام اصلاحات مختلف اقتصادی و برکناری مقامات گذشته، از زیر سایه سنگین و کیش شخصیت اسلام کریم‌اف خارج شود؛ و در عرصه سیاست خارجی نیز سیاست درهای باز با رویکرد بهبود و توسعه مناسبات با کشورهای آسیای مرکزی و قدرت‌های پیرامونی و منطقه‌ای و توازن در مناسبات ازبکستان با چین، روسیه، ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا در دستور کار شوکت میرضیایف قرار گرفت. در بستر چنین تحولاتی و با تغییر نخبگان و بازیگران (کنشگران) امنیتی‌ساز در ازبکستان به ویژه افرادی مانند ویژه اسلام کریم‌اف (رئیس جمهور) و رستم عنایت‌اف (رئیس سرویس امنیت ملی) و قرار گرفتن فردی مانند شوکت میرضیایف در راس قدرت سیاسی، نوع گفتمان و ادبیات حاکم بر ازبکستان در رابطه با تاجیکستان نیز تغییر کرد. کاهش سطح نگرانی درباره وضعیت تاجیکان ازبکستان و ازبکان تاجیکستان از جمله با

برگزاری برنامه روزهای فرهنگ تاجیکستان در ازبکستان در فروردین ۱۳۹۷ که در پاسخ به برگزاری جشنواره روزهای فرهنگ ازبکستان در تاجیکستان در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، گشایش مرزها و گذرگاه‌های مرزی و گمرگی، تقویت همکاری‌های ازبکستان و تاجیکستان در کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی، افزایش سطح مناسبات اقتصادی و تجاری، کاهش تنش‌های آبی و تقویت همکاری‌های دو جانبه و منطقه‌ای و همکاری‌های مشترک در مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی دینی و تحولات افغانستان نیز شش محور و موضوع مهمی است که به فرایند جدید تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی در مناسبات بین ازبکستان و تاجیکستان از سپتامبر ۲۰۱۶ میلادی تاکنون^۱ شکل داده است.

تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور منطقه آسیای مرکزی در حوزه‌های مختلف بدون مشارکت قدرت‌های بیرونی به ویژه فدراسیون روسیه و چین، مهم‌ترین پیامد تنش‌زدایی و غیرامنیتی‌سازی در مناسبات بین ازبکستان و تاجیکستان در سال‌های اخیر به شمار می‌رود. شکل‌گیری «برنامه مدیریت مرزی در آسیای مرکزی» با مشارکت پنج کشور منطقه، مشارکت پنج کشور منطقه و افغانستان در برنامه «ایجاد مشارکت منطقه‌ای در افغانستان و آسیای مرکزی»^۲ با حمایت سازمان ملل متحد، شکل‌گیری مکانیسم موسوم ۵+۱ بین کشورهای آسیای مرکزی با ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن و برگزاری نشست‌های پنج جانبه بین سران کشورهای منطقه آسیای مرکزی از جمله اجلاس ۱۸ مارس ۲۰۱۸ میلادی در شهر آستانه قزاقستان و نشست مقامات کشورهای مؤسس بنیاد بین‌المللی نجات دریاچه آرال در ترکمن‌باشی ترکمنستان در ۲۴ اوت ۲۰۱۸ میلادی (۲ شهریور ۱۳۹۷) از مهم‌ترین تحولات صورت گرفته در منطقه آسیای مرکزی متعاقب آغاز روند غیرامنیتی‌سازی و تنش‌زدایی بین کشورهای این منطقه است.

مطالب و نکات یاد شده فرضیه مطرح شده در این مقاله را تایید می‌کند که «تغییر رهبری در ازبکستان و کوشش شوکت میرضیایف در خروج از کیش شخصیت اسلام کریم‌اف و رشد و توسعه اقتصادی در عرصه داخلی و گسترش خطوط انتقال انرژی و کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی در عرصه منطقه‌ای موجب بروز تحول در سیاست خارجی ازبکستان و تقویت همکاری‌های منطقه‌ای با مشارکت پنج کشور منطقه آسیای مرکزی شده است».

^۱ . منظور تا زمان نگارش این مقاله در بهمن ۱۳۹۷ (فوریه ۲۰۱۹ میلادی) است.

^۲ . Building Regional Partnership in Afghanistan and Central Asia

هرچند باید به این نکته نیز توجه داشت که با وجود تحولات به وقوع پیوسته در مناسبات تاجیکستان و ازبکستان این امر به معنی پایان یافتن کامل اختلافات و تنش‌ها بین دو کشور در سطح منطقه آسیای مرکزی نیست. چنانچه ادوارد لمون،^۱ کارشناس موسسه تحلیل آسیای مرکزی و قفقاز در دانشگاه جانز هاپکینز نیز بر این باور است که «نشانه‌های بهبود روابط ازبکستان و تاجیکستان وجود دارد اما برخی تنش‌ها همچنان باقی می‌ماند».^۲ گذر زمان و تثبیت هر چه بیشتر جایگاه داخلی و خارجی شوکت میرضیایف نشان خواهد داد که آیا رهبری جدید ازبکستان تا چه میزان از رویکردهای سنتی دوران اسلام کریماف به ویژه در رابطه با تاجیکستان فاصله گرفته است و توافقات صورت گرفته بین دو کشور به ویژه در حوزه بهره‌برداری از منابع آبی و کریدورهای ارتباطی و ترانزیتی تا چه میزان در عرصه عملی محقق و عملیاتی خواهد شد.

^۱ . Signs of improving relations between Uzbekistan and Tajikistan but Tensions Remain

^۲ . Edward Lemon

منابع و مأخذ

- امیراحمدیان بهرام و حبیب رضازاده (۱۳۹۱)، "مولفه‌های داخلی موثر بر سیاست خارجی تاجیکستان"، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۰، زمستان، صص ۳۱-۵۵.
- بوزان، باری، اولی ویور و پاپ دویل (۱۳۸۶)، چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت. ترجمه علیرضا طیب، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۹)، "آشنایی با مکتب کپنهاگ در حوزه مطالعات امنیتی"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۵-۹.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و سید یوسف قرشی (۱۳۹۱)، "نظریه و روش در مطالعات امنیتی کردن"، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پانزدهم، ماه زمستان، شماره چهارم، صص ۷-۴۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و سید محمدعلی علوی (۱۳۹۵) فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال پنجم، شماره ۱۷، تابستان، شماره پیاپی ۴۷، صص ۴۰-۵۸.
- عبدالله خانی، علی و عباس کاردان (۱۳۹۰)، رویکردها و طرح‌های آمریکایی درباره ایران. تهران: انتشارات موسسه ابرار معاصر تهران.
- قرشی، سید یوسف (۱۳۹۳)، امنیتی‌شدن و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رستمی، فرزاد و مسعود نادری (۱۳۹۵)، "برجام، پرونده اتمی و بسترهای امنیتی‌سازی و غیر امنیتی‌سازی"، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۲۷، تابستان، صص ۱۸۹-۲۲۰.
- عطایی، فرهاد و ولی کوزه‌گر کالجی (۱۳۹۱) "تاملی بر سیاست خارجی جمهوری ازبکستان از منظر نظریه پیوستگی"، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۷۸، صص ۱۰۷-۱۳۵.
- ولی کوزه‌گر کالجی، "بهبود مناسبات ازبکستان و تاجیکستان؛ آیا خواب دوشنبه و تاشکند تعبیر خواهد شد؟"، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا (ایراس)، ۲۷ فروردین ۱۳۹۶، قابل دسترسی در: <http://www.iras.ir/fa/doc/note/3136/%D8%A8%D9%87%D8%A8%D9%88>
- "ازبکستان جمعیت تاجیکان این کشور را ۴,۸ درصد اعلام کرد"، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، ۱۸ مرداد ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

<http://www.irna.ir/fa/News/82626301>

- شقایق حیدری، "شکاف تاجیک ازبک در ازبکستان؛ علل و زمینه‌ها"، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام، ۱۵ مهر ۱۳۹۶، قابل دسترسی در:

<http://www.iifwfs.com/islam-world/islam-world-notes-and-papers/869>.

- اوراسیای مرکزی (۱۳۹۰/۷/۶)، "اختلافات ازبکستان و تاجیکستان و بسته شدن راه آهن"، قابل دسترسی در:

<http://cep.ut.ac.ir/fa/pages/38.htm>

- "گوگل آتش بیار دعوی سمرقند و بخارا شد"، خبرگزاری تابناک، ۱۵ دی ۱۳۹۲، قابل دسترسی در:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/369113/%DA%AF%>

- "دستاوردهای مهم کاهش تنش ازبکستان و تاجیکستان"، شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی، ۴ مهر ۱۳۹۷، قابل دسترسی در:

<http://npps.ir/ArticlePreview.aspx?id=182286>

- Adle, Chahryar (2005) *History of Civilizations of Central Asia*, Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.

- Gotev, Georgi (2018), "Astana hosts little-publicised Central Asia Summit",

- Kaliyev, Arman (2018), "Astana Meeting Marks Dawn of New Era for Central Asia - without Russia", *Caravanseri*, March 19.

- Putz, Catherine (2018), "All Together Now: Central Asia's Leaders Set to Meet in Astana", *The Diplomat*, March 13, 2018.

- Roman, Muzalevsky (2012), "Twists and Turns of Uzbekistan's Foreign

- Rose, P. (2004) "Securitization and Minority Rights: Conditions of Desecuritization", *Security Dialogue*, 35: 279.

- Roman, Muzalevsky (2012) "Twists and Turns of Uzbekistan's Foreign Policy", Jamestown Foundation, *Eurasia Daily Monitor*, Vol. 9 Issue: 156.

- Sattarov, Rafael (2018) "ASEAN, Uzbek-Style: Tashkent's New Ambitions in Central Asia", *Carnegie Moscow Center*, January 19.

- Wæver, Ole (1995), "Securitization and Desecuritization", in: *on Security*. ed. Ronnie D. Lipschutz. Columbia University Press, pp. 46-87.